

پیامِ مجسمانی

شماره ۱۸۱ سر ۱۹۹۵

### یادداشت ماه

يك قرن و نیم پیش در چنین ماهی شفقی تابناک ابرهای تیره‌ای که آسمان ایران را فراگرفته بود شکافت و با انوار تابنده، خود بشرت به طلوع خورشید دلفروزی که آسمان‌ها و زمین را نورانی خواهد نمود داد. آن سپیده، صبحگاهی که جهان را به صفا و تازگی خود جان تازه بخشید وجود مقدس حضرت ربّ اعلی بود که بفرموده «قلم اعلی» قدرش اعظم از کلّ انبی و مرش عی و رفع ز عرفان کلّ اولیا است.» پیام بهائی سالروز این بعثت فرخنده را که مقرر ۲۳ ماه مه است به خوانندگان خود تبریک می‌گوید.

هرچه بر تاریخ امر سالیان بیشتری می‌گذرد وظایف دلدادگان آن جمال بی‌همتای بیشتر می‌گردد و نیاز جامعه به شرکت فعال يك يك بهائیان در خدمت مری شدیدتر می‌شود. جشن اظهار امر حضرت باب فرصت مناسبی است که به بهره‌وری از نیروی روحانی که در این روز مقدس نهفته است، به همت و شوری تازه به میدان‌های خدمت رو آوریم و جهانیان را از نور و گرمای آفتاب عشق و دوستی نصیب بخشیم.

### فهرست مندرجات

از آثار مبارکه / ۳	يك خبر خوب / ۲۸
پیام‌های بیت العدل اعظم الهی / ۵	لزوم تحقیقی اساسی در تاریخ مری / ۲۹
ماهی که خجسته‌تر از همه، ماهها تواند بود / ۹	از خاطرات گذشته: خوب عجیب / ۳۳
نشانه، تو (شعر) / ۱۰	معرفی کتاب: آئین صابین / ۳۵
سال پایانی نقشه، سه ساله / ۱۱	آشنائی با يك هنرمند / ۳۷
سفر حضرت اعلی به حجاز (۱) / ۱۵	بهار بود... (شعر) / ۳۸
تحوّلات شگرف مخابرات / ۲۰	در شکوه و شگفتی‌های مبدء (۸) / ۳۹
تاریخ نبیل و سه دیدار تاریخی حضرت نقطه، اولی / ۲۵	نامه‌های خوانندگان / ۴۲
	اخبار و بشارات جهان بهائی / ۴۴

شرح عکسها:

روی جلد: مقام مقدس اعلی، به مناسبت اظهار امر حضرت ربّ اعلی. عکس از مهدی صمیمی  
پشت جلد: تابلویی از گل‌های خشک شده، اثر طاهره لوثی. رجوع کنید به ص ۲۷

لوح مبارکی از حضرت عبدالعزیز جل شانه :

بهنه

در عالم تحقیق کجاست نور هدایت در شبستان خورشید و بدره غنایت رسیده و در ساحت خاطر محبوب  
الذی به جلوه گر گردید چشم بسته باز شد و گوش هم از آواز طراغ اعلیٰ گوید هر دلدار یافت و جان بر جان بیست آتش  
عشق بر افروخت و کینه اجتناب بسوخت و معلم آسمانی اسرار حقایق و معانی بی سوخت قفس روانم در شکست  
و مرغ خانم آورده به جوق طیور به ملاطفت بیست بهار روحانی جلوه گر کرد و از نیش بی فیض رخسار در و کمر مبدول شد  
سحاب رحمت برورد گار به رشحات فیض اسرار فیض گلشن را بهشت برین نمود و حدائق روحانی را به شقایق  
حقایق و معانی ترنیز داد از هر طرف فرسنگ کلمات بر زمین رخ بر افروخت در نهایت طراوت و لطافت جلوه نمود و  
مغز خانم به رقیبت اسرار عشق بخواند و بگفت کجاست کجاست که به عنایت تو بهر سر آمد و آهنگ مرغ خانم است  
در تنگنا را بیدار می نماید در جمیع افاق می آواز در هرگز از دست و در خاور و باختر محرم این راز است سخن است که فرخ آینه  
است نیم گمشده غنایت است در مشک سیرت هوای بهار روحانی است که جان پرور است و شمیم گلزار اسرار است  
در مشام معطر است مطوع نور تحقیق است آفاق منور است در نقطه ظهور حیات است که نبات بخش از حیات است  
آفتاب جهان نور است که از ملکوت پهنای درخشند و تابان است با وجود این نادانان هر روز در ستر حرمان  
خفته اند و بهر حسرت سوخته و دیده از مشاهده انوار هدایت سوخته و در نهایت محفلت حطام فانیه اند و حست  
و در کعبه حلاکت غرق و نابود گشته ، شجر که در موسم بهار از فیض لبر آذر و لریاح لواقع پروردگار و تابش و  
درخشش آفتاب اسرار به حرکت نیاید و برگ و شکوفه ننماید و میوه خوشگوار بار نیاید و طراوت و لطافت  
نخود یقین است که کعبه است و سزای سوختن است پس شمشک که نماید که پرده در دیده و بر تو فیض دید  
و آهنگ ملا اعلیٰ شنیدید و شهد محبت الهی چشیدید و باوه معرفت الله نوشیدید و به نهایت کمال و

آرزو رسیدید و علیکم الهیاء اللاحضری . ع . ع .

مأخذ : دارالانشاء بیت العدل اعظم

جناب سمندر نار موقده البیت علیہ بہار اللہ الابی ملاحظہ نمایند

نہایت

ای سمندر نار موقده در سدرہ سیناء جمال مبارک روحی ذاتی و کینوتی لارقانہ الفداء در  
 او اخر ایام از فم مطہر وعده فرمودند کہ بہ فیض مدار و تائیدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند  
 و ہیا کل مقدسی مشہود شوند کہ انجسہا ہدایتند و انوار خیر عنایت مظاہر آیات توحیدند و مطلع انوار  
 تقدیس مہابط العمامہ و مشاعل انوار جہال را سخاوند و الطواد با ذہن شرح نوزند و بدور حضور و ساطع  
 الطافند و وسائل اعطاف منادی بہ ہم حقند و مہادی تائیس بنیان اعظم این نفوس  
 شب روز آرام نگیرند و آلام بینند و فراغت نجویند در مضع راحت نیارامند آسودہ نشینند  
 آلودہ نگردند اوقات را صرف نشرفحات اندک کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمتہ اللہ و جوشان  
 مستبشر است و قلوبشان منشرج فوادشان علم است بنیادشان بر اساس قوم در اجراء عالم متشر گردند  
 و درین اہم متفرق در مصلی در آیند و در ہر جنبی مجمع بیاریند بہ ہر لسانی تکلم نمایند و ہر معنی تفہیم کنند  
 اسرار الہی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند چون شمع در شبستان ہر جمع برافروزند و چون  
 ستارہ بجاہی بر جمیع افاق خیزند نجات حقائق قلوبشان چون نسائم سحر گاہی آفاق قلوب  
 معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بہاری ہر قلبی را منضر کند این عبد در نہایت  
 اشطار است کہ این نفوس مبارکہ کی موجود و این مظاہر مقدسہ ظاہر و پدیدار گردد شب و روز  
 در تضرع و اہتہالم کہ آن نجوم بازغہ مشرق و لالچ گردد و آن وجوہ مقدسہ جلوہ نماید فوج پیہ  
 رسد و امواج نوار از حجب ملکوت غیب واصل گردد مقصد ہست کہ دعا و تضرع مینمایم کہ این نفوس  
 بہ فضل جمال قدم زود مبعوث گردد و البہاء علیک و علی کل وجہ تنور بالنور اطلح من فی ملکوت  
 ع ع

لی  
 دو  
 در  
 می رود  
 تفاسمی  
 بشریت  
 می  
 در  
 حقوق  
 بین  
 اجتماع  
 کینہ  
 در یک  
 شب  
 ست  
 جہن  
 رتبہ  
 با فوریت  
 اندیش  
 پیشرفت  
 در

# پیام‌های بیت العدل اعظم الهی

ترجمه، پیام بیت العدل اعظم  
خطاب به عموم محافل روحانی ملی  
در سراسر عالم  
مورخ ۲۲ ژانویه، ۱۹۹۵

دوستان عزیز

در حینی که قرن بیستم به سرعت رو به پایان می‌رود مساعی دول و ملل به منظور دستیابی به تفاهمی عمومی درباره مسائل که در آینده بشریت مؤثر است به مراتب افزایش و شدت می‌یابد. کنفرانس محیط زیست و توسعه و عمران در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو و کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در سال ۱۹۹۳ و کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه و عمران در قاهره در سال ۱۹۹۴ و مشاوره سران دول برای توسعه اجتماعی که قرار است در ماه مارس ۱۹۹۵ در کپنهاگ برگزار شود و متعاقب آن چهارمین کنفرانس جهانی درباره زنان که در ماه سپتامبر در پکن منعقد می‌گردد به نحوی بارز حاکی از این شتاب روزافزون است. این وقایع نقطه پایانی است بر اقدامات بی‌شماری که در نقاط مختلف جهان به وسیله انواع سازمان‌ها و شبکه‌های ارتباطی غیردولتی انجام گرفته است. اقداماتی که با فوریت هرچه بیشتر به منظور یافتن ارزش‌ها و اندیشه‌ها و راه‌حل‌های عملی برای توسعه و پیشرفت صلح‌آمیز عموم ملل صورت گرفته است. در این تلاش می‌توان شاهد پیدایش وحدت نظری

در اقدامات و تعهدات جهانی بود که پیوسته حائز اهمیت بیشتری می‌گردد. وحدتی که در آثار مقدسه بهائی تحقق آن به منزله یکی از مصابیح اتحادی که راه صلح را روشن می‌سازد توصیف شده است. بدیهی است که بهائیان در سراسر عالم، با دلگرمی از چنین جریانات امیدبخش، به نحوی روزافزون و بنا بر امکانات موجود به پشتیبانی فکری و عملی این اقدامات ادامه خواهند داد.

نظر به اینکه از زمان اجتماع سران دول در برزیل به منظور حفظ محیط زیست تاکنون توجه شدیدی به مسائل مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی مبذول می‌گردد، به دقت اطلاعات عمومی جامعه، جهانی بهائی مأموریت داده شد که بیانیهای درباره مفهوم رفاه عالم انسانی در قالب تعالیم بهائی تهیه نماید. اکنون بیانیته مزبور برای توزیع آماده شده است. خوشوقتیم که برای هر یک از محافل ملی نسخهای از بیانیته «رفاه عالم انسانی»<sup>۲</sup> را ارسال می‌داریم. توصیه می‌شود که این بیانیته را در اقدامات خود در تماس با دولت‌ها و سازمان‌ها و افراد مردم مورد استفاده قرار دهید. امید واثق داریم که این بیانیته آن محافل را در ترویج تفاهم این موضوع مهم مابین اعضای جوامع بهائی مساعدت نماید و سبب تقویت کمتهای آنان به جریانات اجتماعی سازنده‌ای گردد که در سراسر کره ارض مشهود است. با تحیات ابدع ابهی

بیت العدل اعظم

## یادداشتها

۱- اشاره است به لوح مبارك حضرت عبدالبهاء که در آن از هفت شمع وحدت یا اتحاد سخن می‌رود .  
 ۲- این بیانیه مفصل را از دفاتر محافل روحانی ملی یا ناحیه‌ای می‌توان بدست آورد . در شماره آوریل ۹۵ پیام بهائی به این بیانیه به عنوان «سعادت نوع بشر» اشارت رفته است .

ترجمه، متحدالمآل دارالانشاء

بیت العدل اعظم

مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۹۵

(فقط به تعدادی از محافل روحانی ملی ارسال شده است)

یاران عزیز الهی

بیت العدل اعظم مقرر فرموده‌اند که به ضمیمه نسخه‌ای از مجموعه، نصوص مربوط به «تحقیق و تتبع»<sup>۱</sup> را برای آن محفل مقدس ارسال داریم.<sup>۲</sup> این مجموعه را اخیراً دائره مطالعه و تحقیق در نصوص در مرکز جهانی به دستور بیت العدل اعظم فراهم آورده است .

امید معهد اعلیٰ آن است که مطالعه این مجموعه سبب تشویق و ارشاد در توسعه و پیشرفت مطالعات و تتبعات امری گردد و در اثر پیروی از محتویات آن کیفیتهای بدیع این جنبه، مهم و حیاتی از اقدامات امری واضح و مجسم شود .

بیت العدل اعظم از اعضای جامعه، پیروان اسم اعظم دعوت می‌نماید که همه از پیر و جوان و زن و مرد بکوشند تا نمونه جدیدی از مطالعات و تحقیقات علمی را منطبق با آنچه در این مجموعه آمده است و با الهام گرفتن از روحیه تجسس در معانی نامتناهی تعالیم الهی، به جهانیان ارائه دهند . خصوصیت چنین کوششی باید این باشد که همه

کسانی را که خواهان اینگونه اقدامات هستند پذیرا شود تا هر يك بنا بر راه و روش خود از تشویق و همکاری متقابل مابین عموم فضلا و محققان برخوردار شده و از احترامی که به موقیتهای ممتاز و اقدامات برجسته در این زمینه نهاده می‌شود بهره‌مند گردد . روحیه و روش تحقیق و تتبع باید از نخوت و استکبار و مجادله و معارضه و انحصارطلبی که غلبه سبب خدشه‌دار شدن نام آن در جامعه می‌گردد و در رد توسعه و پیشرفت سالم این حرفه، پر رنج موعی بوجود می‌آورد به کلی برکنار باشد .

اخذ تصمیم دربره، چگونگی استفاده از مطالب ضمیمه بستگی به تشخیص آن محفل دارد .

بیت العدل اعظم

دارالانشاء

## یادداشتها

Scholarship - ۱

۲- این مجموعه، نصوص را هم می‌توان از دفاتر محافل روحانی ملی یا ناحیه‌ای تحصیل کرد .

ترجمه، قسمتی از مکتوب دارالانشاء

بیت العدل اعظم الهی

به محفل روحانی ملی بیت العدل اعظم

مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۵

دو حیطة عمل و اقدام برای پیشرفت امر وجود دارد: یکی انجام دادن مسئولیتی است که هر فرد بهائی، صرفنظر از نقشه‌های مشترک، در مقابل حضرت بهاءالله برای تبلیغ امر مبارکش دارد و دیگری شامل طرح‌ها و اقداماتی است که مؤسسات امری ترتیب می‌دهند و هدایت می‌کنند و افراد احباء در اجرای آنها تشریک مساعی می‌نمایند . بطوری که اظهار می‌دارید دو وظیفه‌ای که آن محفل در قبال احباء دارد یکی پرورش هویت بهائی

بیانیه و مجموعه، نصوص مربوط به دخول افواج مقبلین به چنین درک و فهم عمیقی نائل آیند.

این بیانیه و مجموعه، نصوص باید با کمال دقت و هشیاری مطالعه شود و نباید به اشتباه تعبیر شود که این تنها صلائی است برای تسریع در تبلیغ و ازدیاد تعداد بهائیان و همچنین نباید سبب موجه جلوه کردن روش‌های سطحی و نارسا در ترویج امرالله گردد. این صلائی است به عموم احباء تا دریابند که شیفتگی و اشتغال به رفاه مادی، بیزاری از حقایق روحانی، علاقه‌مندی مفرط به مباحثات و استدلالات عقلانی، تسامح و زیاده‌روی در اوهام و خرافات، جملگی انحرافات است گذران، در میان هر جمعیتی نفوس بسیاری وجود دارند که خالصانه و صمیمانه مشتاق درک حقیقتند و به محض آنکه از امر مبارک مطلع شوند با خوشحالی و سرور پیام حضرت بهاءالله را درک می‌کنند و از صمیم قلب به امرش اقبال می‌نمایند. احباء باید با کوششی خستگی‌ناپذیر در جستجوی چنین نفوس باشند و باید با شور و شوق و پایداری و حکمت، از هر طریق که ممکن باشد، بدون احساس یأس از عدم توجه و پذیرش، در انتشار تعالیم مبارکه استقامت ورزند.

گرچه صحیح و عاقلانه است که مبلغ بهائی به شخصی که به او امر بهائی را ابلاغ می‌کند تفاهم و شکیبائی محبت‌آمیز ابراز دارد ولی نباید پنداشت که ابراز تردید و بدگمانی در اولین باری که فردی از حضرت بهاءالله اطلاع پیدا می‌کند یا دچار تعلل و کندی در پذیرفتن پیام آن حضرت می‌شود، حتماً نشانه، فضیلت آن فرد است. نمی‌توان در همه موارد طول مدتی را که فردی درباره امر مطالعه می‌کند معادل با میزان عمق درک او از امر دانست. نفسی مستعد و هشیار ممکن است در مدت چند ساعت به چنان عمقی در عرفان نائل

افراد احباء و دیگری کمک کردن به آنان است تا بر ترسی که مانع می‌شود به تبلیغ امر پردازند غلبه نمایند. وظیفه اولی به متابعت از احکام و موازین امری در برابر فشارهای اجتماعی مربوط می‌شود و وظیفه دومی احباء را قادر می‌سازد که با اطمینان و ابتکار، پیام الهی را به نفوس مستعد ابلاغ کنند. موفقیت در هر دو وظیفه، در اثر پرورش و تقویت حیات روحانی فرد بهائی و بوجود آوردن محیطی گرم و با محبت و وداد در جامعه، بهائی نصیب می‌گردد. محیطی که نه تنها جذاب و مایه الفت است بلکه به خودی خود سبب تزئید عرفان احباء نیز می‌شود.

حضرت ولی امرالله تأکید فرموده‌اند که برای ابلاغ پیام الهی به دیگران باید با «حکمت و محبت و توسل به دعا و مناجات و استقامت» اقدام کرد. اما بسی اتفاق می‌افتد که «توسل به دعا و مناجات» مورد غفلت قرار می‌گیرد و فراموش می‌شود که در تبلیغ امرالله افراد احباء فقط ابزار و وسائلی برای امر حضرت بهاءالله محسوب می‌گردند و بیش از همه به کمک و مساعدت حضرتش نیازمندند. عشق فرد بهائی به حضرت بهاءالله و اتکانش به تأییدات آن حضرت، مؤثرترین عامل موفقیت در تبلیغ است. حضرت ولی امرالله همچنین تشریح فرموده‌اند که برای موفقیت در مساعی تبلیغی فقط کافی نیست که متوسل به دعا و مناجات گردیم، بلکه باید به درگاه الهی نیز دعا کنیم که نفوس مستعد را بیابیم.

اگر افراد احباء بتوانند به نحوی عمیق‌تر ارتباط بین جریان توسعه و پیشرفت امر و نیروی محرکه، روحانی پذیرفتن پیام حضرت بهاءالله را درک کنند، به برطرف شدن ترس آنها کمک مؤثری خواهد شد. یاران الهی می‌توانند با مطالعه،

گردد که شخصی دیگر پس از سالها با زندگی ظاهراً فعال بهائی نتواند به آن دست یابد. گذشته از این، چه بسا مصدق جدیدی که از پیام الهی سرشار از شور و شوق است بتواند در جستجو و جلب نفوس علاقه‌مند مؤثر باشد.

آنچه گذشت از جمله واقعیت‌هایی است از تجارب انسانی که یاران الهی نیازمندند آنها را بپذیرند و درک کنند. بدین ترتیب برای زمان محتومی آماده خواهند شد که صدها و هزارها نفر از هموعانشان گروه‌گروه به امر مبارک پناه خواهند آورد، و تا آن زمان، مشتاقانه در انتظار خواهند بود و خواهند کوشید تا فرا رسیدن آن روز را سرعت بیشتری بخشند.

نه تنها لازم است که اعضای هیأت معاونت و مساعدينشان و محافل روحانی و لجناتشان ابتکاراتی را که احباء نشان می‌دهند تشویق نمایند و آنان را یاری دهند که از کوشش‌های خود بهترین نتیجه را بدست آورند و نسبت به اشتباهاتی که ضرورتاً مرتکب خواهند شد شکیبائی و تحمل داشته باشند بلکه به همان اندازه ضروری است که هر يك از اعضا جامعه متوجه شوند که مهم‌تر از همه وحدت و یگانگی محبت‌آمیز و سرورانگیز احبّاست که سبب جلب و جذب متحرّیان خواهد شد و به آنها کمک خواهد کرد که بر شك و تردید خود فائق آیند. هیچ عاملی سریع‌تر از شیوع روحیه، زیاده‌روی در انتقاد یا تحریک به کشمکش و مشاجره در بین احباء یا مابین احباء و مؤسّساتی که به اراده الهی تأسیس شده و وسیله‌ای عمده برای ایجاد وحدت و استحکام جامعه است در بی‌اثر ساختن مساعی یاران مؤثر واقع نمی‌شود. در جمیع شئون زندگانی اعمال و روش‌هایی وجود دارد که برای يك نوع از مردم جالب و برای نوعی دیگر غیر جالب و حتی

تفرانگیز است. از آنجا که ما باید انواع مردم را به امر الهی جلب کنیم احباء باید از يك طرف متوجه باشند که سبب کدورت و رنجیدگی نشوند و از طرف دیگر نسبت به معایب و ضعف اخلاقی یا شور و شوق دیگران صبر و تحمل داشته باشند. وظیفه، محافل است که تصمیم بگیرند چه وقت هر اقدامی از حد لازم تجاوز می‌کند و وظیفه، افراد است که با خرسندی و به طیب خاطر در هر موردی ارشاد محفل را بپذیرند.

همان طور که در پیام رضوان ذکر شد «مشورت بین مؤسّسات امری و وجوه یاران در سطوح محلی و ملی» می‌تواند موجب «آغاز و ادامه، رشد و پیشرفت جامعه، بهائی» گردد. مشاورات محافل ملی با مشاورین حائز ارزشی خاص است مخصوصاً زمانی که هر يك از اعضا محفل با ابراز احترام و توجه و علاقه‌مندی به آنچه مشاورین قصد دارند اظهار نمایند گوش فر می‌دهند. بیت العدل اعظم اطمینان دارند که در اثر بصیرت و کمک مشاورین اروپا و با هدایت و ارشاد آن محفل، اعضا جامعه، شما موفق خواهند شد که نظر را به ورای مشکلات شدید که بدانها درگیرند متوجه سازند و اطمینان و ایمانی حاصل کنند که آنها را قادر سازد که در بین هموعانشان از هر مسسلك و مرام و هر نوع و نژاد، قنوب پزمرده را منجذب و بیدار سازند و اذهان مایوس را جرأت بخشند و نفوس مستعد را بیابند.

بیت العدل اعظم مقرر فرموده‌اند که به آن یاران عزیز اطمینان دهیم که از قبیل یکایک جامعه‌های بهائی و فرد فرد پیروان مخلص جمال اقدس ابهی در آلمان، به تقدیم ادعیه، صمیمانه در اعتاب مقدسه می‌پردازند.

با تحیات ابدع ابهی  
دارالانشاء



## ماهی که خجسته تر از همه ماه‌ها تواند بود

بحران اقتصادی کنونی سرگشته و سرگردان هستند قدرت عشق و ایمان و وفاداری به پیمان حضرت یزدان را عملاً به ثبوت رسانند.

چهل میلیون دلار برای جامعه‌ای فزون از پنج میلیون انسان فداکار رقم قابل ملاحظه‌ای نیست. نفسی که حتی هشتاد دلار تقدیم می‌کند می‌داند که بجای ده نفر از دوستانی که به علت تنگدستی یا شرایط خاص محیط بسته، خویش، قادر به مشارکت در این موهبت بزرگ نیستند وظیفه‌ای ادا می‌کند و اجری روحانی می‌برد. در جهان غرب که الحمد لله هنوز لطمه، کامل بحران امروز را نخورده فراوانند نفوسی که می‌توانند صدها و دهها برابر بیش از این مقادارها از محرومان وکالت کنند و جایگزین آنان در این عرصه اساسی خدمت باشند.

سومین سال نقشه، سه ساله به هنگامی آغاز می‌شود که جامعه، بهائی سریلند و سرافراز از کنفرانس توسعه، اجتماعی سران در کپنهاگ باز می‌گردد. ۲۵۰ تن از یاران که به ۴۰ کشور جهان تعلق داشتند شاید وسیع‌ترین سازمان غیردولتی بین المللی بودند که برای درمان دردهای فقر، بیکاری و طرد اجتماعی به چاره‌جویی نشستند و آمادگی جامعه، بهائی را برای اینکه در والاترین مجامع، هم‌سخن و هم‌فکر کارگردانان امور جهان شوند بدرستی نشان دادند. در جهانی که روزبروز وحدت افکار در امور و مسائل مهمه عالم به پیش‌بینی حضرت عبدالبهاء بیشتر در آن جلوه‌گر

آغاز ماه می با پایان ایام فرخنده، رضوان مقارن است، ماهی است زیبا و پرشگون که در آن همه، شکوفه‌ها که به نسیم فروردین محجوبانه بیدار شده و تازه لب به تبسم گشوده بودند به خنده می‌آیند و به بوستان‌ها رنگ شادی می‌بخشند. در مناطق معتدل جهان ماهی رنگین‌تر و دلنشین‌تر از ماه می نیست. در همین ماه خجسته فرجام است که طلعت اعلیٰ حجاب از چهره، جهان‌آرا برگرفت و منتظران را به لقای موعود انبیا، دل و جان روشن کرد (۲۳ می). در همین ماه است که سازمان ملل متحد و دستگاه‌های وابسته به آن چند روز را به یادآوری و سپاسگزاری امری عمومی و با اهمیت برای عالم انسانی تخصیص داده، تجلیل می‌کنند چون روز سوم می که روز جهانی خورشید نام دارد و روز ۱۷ می که روز جهانی مخابرات عنوان گرفته است و روز ۳۱ می که روز ترک دخان شناخته شده است.

اگر همه، ماه‌های می در همه، سال‌ها قرین فرخندگی است اما باید تصدیق کرد که ماه می امسال میمنت دیگری دارد و آن آغاز سومین سال نقشه، سه ساله، بهائی در سراسر عالم است که پنداری طلیعه، تحولی مهم و تاریخ‌ساز در جامعه، پیروان اسم اعظم است، سالی است که اهل بهاء در سراسر جهان همدل و همدستان در آن خواهند کوشید که تعهد خود را برای تکمیل بخشی از طرح‌های قوس کرم‌ل و تراس‌های مقام اعلیٰ فداکارانه ایفاء کنند و به جمله، عالمیان که در

## نشانه تو

زرین تاج ثابت

کجا طواف کند جز به گرد خانه، تو  
جهان پر است ز حسن تو و فسانه، تو  
که پرتو مه رویت دهد نشانه، تو  
بر آنکه می شنود نغمه و ترانه، تو  
به قلب نقش بود مهر جاودانه، تو  
که گشت دور تو و شد زمان زمانه، تو  
چو قطره ای طلبد، بحر بی کرانه، تو  
رواست گر که نهد سر بر آستانه، تو

کبوتر دل من شد اسیر دانه، تو  
نشان روی تو پیدا به هر چه می نگرم  
چه حاجت است نشانت ز مدعی پرسند  
نوای مرغ چمن را چه وجد و شوری هست؟  
دلم چو آینه دار صفای طلعت تست  
بپای خیز تو ای راهی طریق هدی  
گدای کوی ترا گرچه نیست مقداری  
نخست رسم حقیقت ز مدعی «زرین»

این بنیادهای محکم و هزارها محافل روحانی محلی و میلیون‌ها افراد بهائی، شبکه مدنیت جهانی بر سراسر کره، خاک گسترده می‌شود و آمادگی خود را برای آنکه محور و الگو و سرمشق نظم آینده، عالم شود، نظمی مبتنی بر وحدت، برادری جهانی، عدالت، صلح و آرامش و اعتدال، به ثبوت می‌رساند. وجود چنین شبکه، عانه‌گیری که با همکاری هیئت‌های انتصابی زیدی امرالله، مشاورین، معاونین و مساعدین قوت و قدرتی خاص گرفته است به فرد بهائین این اطمینان را می‌دهد که فارغ از آشوب و غوغای زمان، به اعلاء کلمه الهی و اجرای تعالیه جمال اقدس ابهائی هم‌تی بیش از گذشته مبرزون دارند و این نباء عظیم یعنی خیر بزرگ را به گوش هنر عانه رسانند که روز رستگاری آمده است. اگر این شماره، مجله، ما صفحاتی را به موضوع روز بین المللی مخابرات (۱۷ می) اختصاص داده نه فقط از بابت نقش عظیم مخابرات در نزدیک کردن افراد انسان و ملل جهان به یکدیگر است بلکه بخصوص فایده‌تی را که از مخابرات کنونی برای ابلاغ امر الهی و اخبار عالم انسانی می‌توان برگرفت یادآور ما می‌کند. پیام بهائی

می‌شود بهائیان تنها جامعه‌ای هستند که نسخه، درمان همه دشواری‌ها و گرفتاری‌های عالم رنجور کنونی را در دست دارند. حال که در عرصه‌ای بین المللی چون کنفرانس سران شناخته شده‌اند شبهه نیست که از این پس بیش از پیش در عرصه ملی و بین المللی مورد مشورت اولیای امور خواهند بود و چنانکه در پیام رضوان ساحت رفیع در سال حاضر آمده به میزانی فزاینده، روند و مسیر حرکت جهان به سوی صلح اصغر را تحت تأثیر افکار و رهنمائی‌های خود که ملهم از تعالیم عالییه، حضرت بهاء‌الله، منجی عالم است در خواهند آورد. هجوم شخصیت‌های عالی مقام سیاسی به مرکز جهانی بهائی و اظهار تمایل به مشورت با مراجع امری، خود گواه روشنی بر این حقیقت است که نظم بدیع حضرت بهاء‌الله و تعالیم آن حضرت توانائی خود را برای حل مسائل جهان در انظار بزرگان عالم نمودار و مبرهن ساخته است.

در ماه می امسال شماره، محافل روحانی ملی و ناحیه‌ای بهائی به ۱۷۴ رسید. شاید در سال‌های نزدیک آینده، کشوری و سرزمینی نماند که به اکلیل چنین مؤسسه، جلیلی که در آثار بهائی بیت العدل خصوصی نامیده شده متوج نگردد. بر پایه،

# سال پایانی نقشه سه ساله

خلاصه پیام رضوان سال جاری بیت عدل اعظم الهی

دکتر ایرج ایمن

چون تا هنگام بستن صفحات این شماره، ترجمه کامل پیام رضوان بیت العدل اعظم الهی بدست ما نرسیده بود لذا خلاصه آن پیام را در این شماره می‌آوریم تا در این روزهای پایانی عید اعظم رضوان، خوانندگان عزیز ما با مفاد و مندرجات مهم آن آشنا شوند. متن کامل پیام در شماره آینده درج خواهد شد.

## تحقق نوایای مبارکه

روز بروز بر تعداد کنفرانسها و اجتماعاتی که در آنها سران دول برای مشورت و همفکری و اخذ تصمیمات مشترک و عمومی گرد هم می‌آیند افزوده می‌شود. آخرین نمونه آن کنفرانس بین‌المللی توسعه اجتماعی به دعوت سازمان ملل در کپنهاگ بود. گرچه به صورت ظاهر این گونه اجتماعات تأثیر و فایده‌ای که انتظار می‌رود ببار نمی‌آورد و اکثر مردم جهان یا از آنها بی‌خبرند و یا بدانها اعتنائی ندارند ولیکن تکرار روز افزون این نوع جلسات که در آن سران ممالک به مشورت می‌نشینند از نظر جامعه بهائی پیشرفتی تدریجی به سوی تحقق نهائی نوایای مبارکه حضرت بهاءالله است که به سران دول و پیشوایان ملل توصیه فرمودند که با یکدیگر اجتماع نموده، درباره مسائل و مشکلات جهانی به مشورت پردازند.

در کنفرانس کپنهاگ در حدود ۲۵۰ نفر از احباء از متجاوز از چهل کشور مختلف حضور داشتند و توانستند بسیاری از شرکت‌کنندگان این اجتماع عظیم را با حقایق امر بهائی آشنا

پیام رضوان ۱۵۲ معهد اعلی توجّه ما را در آغاز سال پایانی نقشه سه ساله به سه امر مهم معطوف می‌دارد: نخست، نتیجه‌ای که از ملاحظه رویدادها و دستاوردهای گذشته نزدیک حاصل می‌شود. دوم، نیازمندی شدید به کوشش روزافزون مؤسسات امری و افراد احباء برای تحقق اهداف باقیمانده نقشه سه ساله. سوم، اوضاع جهان و جهانیان و وظایف بهائیان در آینده نزدیک.

## نگرانی و امید

سرگردانی و ناامیدی پیشوایان ملل و مردم جهان در این دوران مایه نگرانی است. اما این یأس و سرگشتگی سبب می‌شود که مردم جهان و اولیای امور بیش از پیش طالب تعالیم حضرت بهاءالله شوند. بنابر این توجّه به موقیتهای جامعه بهائی و امکاناتی که برای پیروزیهای بیشتر موجود است موجب امید و اطمینان در قلوب یاران و بیداری وجدان روحانی آنان می‌گردد که این فرصت را غنیمت شمرند و از اقدام به آنچه لازمه این ایام است غافل نمانند.

سازند. این قبیل اقدامات که بعد از کنفرانس مزبور در نقاط مختلف جهان ادامه یافته حاکی از نفوذ جامعه بهائی در جریاناتی است که منجر به صلح اصغر می‌گردد.

بنابر این به روشنی می‌توان دید که دو تحول به موازات یکدیگر در جریان است. یکی منجر به وحدت سیاسی عالم (یعنی صلح اصغر) می‌شود و دیگری منتهی به وحدت قلوب در اثر ایمان به اعتقاداتی مشترک (یعنی صلح اعظم) می‌گردد. این دو جریان روز بروز به یکدیگر نزدیکتر شده و در جهتی واحد پیش می‌روند.

### تحولات جامعه بهائی

آنچه که بدان اشاره شد بر مبنای اقدامات و دستاوردهای جامعه بهائی در دوّمین سال نقشه، سه ساله است که اکنون به پایان می‌رسد. آنچه حتی پیش از پیشرفت سریع در توسعه روابط جامعه‌های ملی و محلی بهائی با جامعه خارج جلب نظر می‌نماید تغییرات کیفی مطلوب در نحوه اقدامات تبلیغی یاران در سراسر جهان است. از جمله می‌توان به موارد زیر که موجب چنین تحولات امیدبخش و خوش آیندی شده اشاره کرد:

- ۱- بذل توجه به مفاد و مفهوم مجموعه، نصوص و بیانیّه، مربوط به دخول افواج مقبلین به این امر نازنین.
- ۲- تأثیرات سفرهای مشاورین بین المللی و قاره‌ای در سراسر جهان.
- ۳- تکامل یافتن نحوه اقدامات اعضای هیئتهای معاونت و مساعدین آنان.
- ۴- به نتیجه رسیدن اقداماتی که برای تعلیم و تربیت روحانی اطفال مبذول می‌گردد.
- ۵- نیرویی که جوانان بهائی صرف بوجود

آوردن طرح‌های تبلیغی و شرکت در انواع خدمات امری می‌نمایند.

به عوامل پنجگانه فوق باید عامل دیگری را هم افزود که عبارت است از:

۶- توانا تر شدن محافل روحانی که علاوه بر مقدم داشتن امر تبلیغ کوشش می‌کنند بر سایر مشکلات و مسائلی که جامعه با آن روبروست فائق آیند.

در این مورد بار سنگینی را که بر دوش محافل روحانی ملی است نباید از خاطر دور داشت زیرا توسعه روز افزون جامعه بهائی سبب می‌شود که روز بروز بر تعداد و گوناگونی اعضا جامعه و بر پیچیدگی تقاضاها و انتظاراتی که برای راهنمایی و کمک دارند افزوده شود.

### اهداف سه گانه بین‌المللی

همانطور که می‌دانیم اهداف سه‌گانه، نقشه، سه ساله عبارتند از:

- ۱- افزایش روحانیت و نیروی ایمانی افراد احبّاء.
  - ۲- توسعه بیشتر نیروی انسانی در جامعه بهائی.
  - ۳- سعی در بهبود طرز کار مؤسسات ملی و محلی بهائی.
- تحولات و فعالیت‌های جامعه بهائی جملگی معطوف به رسیدن به هدف‌های بالا است. لیکن این کوشش‌ها و مجاهدات باید افزایش یابد تا جامعه به منظورهای ذیل نیز برسد:
- ۱- مقابله با شیوع انحطاط اخلاقی.
  - ۲- بوجود آوردن سپاه بزرگی از نفوس مخلص و خدوم برای رفع نیازهای تبلیغی و امور اداری امر.
  - ۳- آماده سازی مؤسسات امری برای ارائه

و سایر شخصیت‌های برجسته که به دیدن مرکز جهانی بهائی می‌آیند نشانه، رشد اهمیت مرکز جهانی روحانی و اداری امر بهائی در نظر جهانیان است و این امر خود حاکی از آن می‌باشد که دول و ملل عالم روز به روز بیشتر با مرکز جهانی بهائی که پیوسته در حال تکامل است آشنا می‌شوند.

### مشروعات ساختمانی کوه کرمل

چون از فراز کوه خدا که محل اجرای طرح‌های ساختمانی مرکز جهانی امر بهائی است به رویدادها و اقداماتی که در جوامع ملی و محلی انجام می‌گیرد بنگریم، بهتر می‌توانیم آرمان حضرت ولی امرالله را مجسم نمائیم که ارتفاع یافتن ابنیه‌ای را که مقر بین‌المللی اداری امر را بوجود خواهند آورد همزمان با دو جریان مهم دیگر یعنی تأسیس صلح اصغر و رشد و بلوغ مؤسسات ملی و محلی بهائی پیش‌بینی می‌فرمایند. بنابر این با در نظر گرفتن اوضاع احوال جهان، ضرورت تکمیل مشروعات ساختمانی کوه کرمل طبق برنامه، زمانی پیش‌بینی شده کاملاً آشکار می‌گردد.

این طرح‌های ساختمانی اکنون با سرعت قابل ملاحظه‌ای پیشرفت می‌کند و عظمت و جلال آنها سبب اعجاب زائران و سیاحان و ساکنان آن حدود شده است. در حال حاضر ساختمان ۱۲ طبقه از طبقات مقام اعلی یعنی ۷ طبقه، پائینی آن و ۵ طبقه، فوقانی در شرف تکمیل است و قراردادهای ساختمانی به میزان افزون از سال‌های پیش به امضاء رسیده است. کار به گونه‌ای سرعت یافته که نمی‌توان در آن تأخیری روا داشت. لذا افزایش تبرعات متناسب با افزایش سرعت و وسعت امور ساختمانی،

خدمات در قبال وظائفی که توسعه، سریع جامعه ایجاب خواهد نمود.

### اقدامات مورد لزوم

آنچه را که جامعه، بهائی بخصوص افراد احباء و محافل روحانی برای مقابله با امور و مسائلی که در حال حاضر با آنها مواجه هستند نیاز دارند می‌توان به نحو ذیل ارائه داد:

از يك سو:

(الف) استفاده از ابتکارات فردی در امر تبلیغ و کوشش در کسب درک و فهم عمیق مقصد و مرام و حوائج امر بهائی که از جمله، وظائف و حقوق و امتیازات هر فرد بهائی است.

(ب) لزوم مشارکت هر فرد بهائی در فعالیت‌ها و کوشش‌های گروهی و دسته‌جمعی مانند برنامه‌هایی که جامعه، بهائی ترتیب می‌دهد.

و از سوی دیگر:

(الف) وظیفه و نقش محفل روحانی در استقبال از ابتکارات فردی تا حد امکان، و تشویق و مساعدت اقدامات مزبور.

(ب) مسئولیت محفل روحانی برای طرح و ترویج نقشه‌هایی که استعدادات و قابلیت‌های افراد جامعه را بکار گیرد مانند نقشه‌های تبلیغی و مشروعات مربوط به خدمات اجتماعی و ترتیب دادن مؤسسات تبلیغی و سایر اقدامات گروهی.

۲

### توجه روزافزون به مرکز جهانی

افزایش شدید تعداد اعضاء عالی‌رتبه، دولتی

امری عاجل و ضروری است. در نقشه، سه ساله تبرعاتی در حدود ۷۴ میلیون دلار برای صندوق ساختمان‌های قوس پیش‌بینی شد که ۴۰ میلیون آن باقی مانده و ضروری است که تا رضوان سال آینده (۱۹۹۶) تبرع گردد.

### تأسیس محافل جدید

در رضوان سال جاری پنج محفل روحانی ملی جدید تأسیس می‌گردد.

ام‌البهاء روحیه خانم به نمایندگی بیت عدل اعظم در نخستین انجمن‌های شور روحانی در گرجستان و ارمنستان حضور می‌یابند. همچنین ایادی ام‌برالله جناب دکتر علی‌محمد ورقا به نمایندگی معهد اعلی در کانون‌شن‌های ملی در بلوروس و سیسیل شرکت خواهند فرمود. نماینده، بیت عدل اعظم در اریتره جناب هوشنگ عهدیه، عضو هیئت مشاورین قاره‌ای افریقا خواهند بود. در اثر وحدت سیاسی در جنوب افریقا اینک جوامع بهائی بیپوتاتسوانا و سیکای و افریقای جنوبی و ترانسکای در یکدیگر ادغام شده و محفل روحانی ملی بهائیان افریقای جنوبی را تأسیس می‌نمایند. در نتیجه تعداد محافل روحانی ملی از ۱۷۲ به ۱۷۴ افزایش می‌یابد.

### ۳

### اهمیت و لزوم اقدامات فردی

نه تنها به منظور تحقق اهداف باقیمانده نقشه سه ساله بلکه با توجه به ابرهای تیره ناامیدی که بر مقدرات جهان پریشان سایه افکنده و در عین حال منادی نزول باران‌های بهاری اشاعه، تعالیم الهی است احتیاج شدیدی به اقدامات قاطع و مستمر تبلیغی است تا تعالیم جانبخش الهی نیازهای مادی و معنوی مردم

جهان را برطرف سازد. گرچه اقدامات مزبور بستگی به تقویت نحوه کار مؤسسات امری دارد اما مآلاً و در وهله اولی برآورد این نیازها بر عهده افراد احباء است.

نباید اجازه داد که زیاده‌روی در عیب‌جویی از خود و احساس عدم لیاقت و توانائی و تجربه، سبب هراس یا مانع اقدامات ما شود. باید بخاطر بیاوریم که حضرت بهاء‌الله در یکی از الواح مبارک خویش اطمینان می‌دهند که امروز اگر کسی زبان به ذکر حق بگشاید جنود وحی و تأیید بر او نازل می‌گردد و انوار هدایت الهی را بر او ارزانی می‌دارد. (اصل بیان مبارک به عربی است.)

### لزوم تسریع در امر تبلیغ

در این موقع خطیر در تاریخ بشر هیچ امری مهم‌تر از دعوت مردمان از هر صنف و طبقه و مشرب و مرام به این امر عظیم الهی نیست تا بر خوان آلاء و نعمای الهی نشینند و از مائده آسمانی بهره برند.

در پایان این پیام بیت عدل اعظم به یاران اطمینان می‌دهند که با دیده دل شاهد فتوحاتی که در دسترس آنان قرار دارد هستند و مطمئن می‌باشند که یاران باوفای جمال اقدس ابهی بسیاری از این پیروزی‌ها را نصیب جامعه اسم اعظم خواهند ساخت و بدین ترتیب زمینه را برای اجرای نقشه بعدی که در رضوان سال ۱۹۹۶ اعلام خواهد شد فراهم خواهند آورد، نقشه‌ای که در طی آن جهادی روحانی و جهانی آغاز شده و چون تاجی بر تارک قرنی که بفرموده حضرت عبدالبهاء آثارش ابدی خواهد بود خواهد درخشید.

پایان

# سفر حضرت اعلیٰ به حجاز (۱)

ابوالقاسم افنان

در حضور خدا بر تخت‌های خود جالس و به جامه‌های سفید آراسته و به اکلیلی از طلا مکتل می‌باشند مذکور شده‌اند، قبل از تشتت در بلاد به محضر مبارک حضرت اعلیٰ احضار شدند و وجود مقدس در حین تودیع، هر یک را به شطری مأمور و به وظیفه‌ای مخصوص جهت اعلاء کلمة الله منصوب فرمودند.

نبیل زرندی نیز در تاریخ خود موضوع نصایح و وصایای حضرت ربّ اعلیٰ را به حروف حیّ به تفصیل ذکر کرده و مضمون بیانات حضرت باب به حروف حیّ را چنین می‌نگارد:

«شما حروف اولیّه هستید که از نقطه، اولیٰ منبعث شده‌اید. شما چشمه‌های آب حیاتید که از منبع ظهور الهی جاری گشته‌اید. از خدا بخواهید که شما را حفظ نماید تا امال دنیوی و شئون جهان، طهارت و انقطاع شما را تیره و آلوده نکند.»

بعد از انجام تشریفات اولیّه حضرت نقطه، اولیٰ در روز ۲۶ شعبان سال ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق با دهم سپتامبر ۱۸۴۴ میلادی در معیت جناب قدّوس و مبارک غلام حبشی خودشان از شیراز عازم بوشهر شدند و روز ششم ماه رمضان به بوشهر رسیدند و روز نوزدهم همان ماه با کشتی شرعی به نام «ثلث» عازم جدّه شدند و در اول ماه ذی‌حجه به جدّه رسیدند. در طول این

بعد از اینکه آخرین مؤتمر بایی در حضور حضرت باب الله الاعظم و هفده نفر از حروف حیّ در شیراز در منزل خال اعظم برگزار گردید و فرامین تبیینی آن حضرت به هر یک از حروف حیّ ابلاغ شد و وظائف و تکالیف آنها مشخص و معلوم گردید هر کدام به راهی که فرمان داشتند قدم بگذاشتند و شیراز را بتدریج ترک نمودند. ملّا حسین بشرویه‌ای (باب الباب) را به طهران اعزام فرمودند که عرائض و آثار مبارکه را به حضور حضرت بهاء الله تقدیم کند و پس از وصول عریضه، او مبنی بر اینکه مأموریتش را انجام داده، برای اجراء فریضه، حجّ عازم مکه، معظمه گردیدند.

حضرت شوقی ربّانی ولیّ عزیز امر بهائی در صفحه ۸۱ جلد اول کتاب قرن بدیع مطالبی به مضمون ذیل بیان فرموده‌اند قال و قوله العزیز:

«این حروف بیانیه که در الواح و آثار منزله، حروف اولیّه، منبعث از نقطه، اولیٰ و مکمن آثار الهی و عیون ساریه از منبع فیض رحمانی موصوف و در قرآن مجید «و جاء ربّک و الملك صفاً صفاً» منعت گردیده‌اند و در کتاب بیان به اقرب اسماء الی الله ستوده و آن نفوس مقدسه را انوار ساطعه از فجر حقیقت که لم یزل و لایزال نزد عرش حقّ ساجد بوده و هستند خطاب فرموده‌اند و در مکاشفات یوحنا به "پیران" که

راه بر روی کشتی خطب و الواح مفصلی نازل شده است که غالب آنها در واقعه سرقت آثار مبارکه از میان رفته است.

وقتی کشتی در بندر کنگان لنگر کشید و حجاج مسافر به خشکی رسیدند خطبه کنگانیه نازل شد. حضرت باب شرح مسافرت خودشان را به مکه در ضمن دو لوح مبارک نازل فرموده‌اند. قوله العزیز:

«قد اسرى كلمة عبده من ارض مولده في سنة الستين بعد المائتين و الالف من الهجرة المقدسة يوم السادس من العشر الثالث من الشهر المقدم على شهر الله الحرام الذي نزل فيه القرآن و ابلغه الى جزيرة البحر في اليوم السادس من الشهر الحرام الرمضان الذي قد قضى القدر فيها على حكم الله في ليلة منها على خير من الف شهر من دونها و لقد ارفعه بجوده على الفلك المسماة بالثلث المسخر فوق الماء يوم التاسع من العشر الثاني من الشهر الحرام شهر الله الذي قد فرض فيه الصيام و ابلغه الى ام القرى بيت الله الحرام في يوم الاول من شهر الحرام شهر الله الذي قد قضى فيه حكم الحج لاهل الاسلام و تم فيه السعى بين الصفا و المروة و ما قدر في الطواف و القيام و قد قضى فيه حكم مناسك العمرة» الى آخر.

و نیز شرح توقف وجود مبارک را در مکه و مدینه و مدت ایام طی طریق از مدینه به جدّه را بیان فرموده‌اند:

«فلله الحمد و الكبرياء بما قد احفظه في حرم القدس سبعة و عشرين يوماً من الشهرين العظام و له المجد و العظمة في اول الصعود في اليوم الرابع من الشهر الآخر بعد شهر الله الحرام من لدى اوليائه الى كل الخلق بابلاغ كلمة القطع و العجز من معرفة آل الله سلام الله عليهم في منتهى المنع و له الجلال و الجمال من يوم الخروج الى يوم

الوقوف بارض جدّة صلوات الله على ساكنها من غير وصف و لا عدّة بما قد قضى اثنى عشر يوماً في السبيل كمثّل حكم النزول من حرم الجليل الى عين السلسبيل و قد قضى حكم الكتاب بالوقوف في ارض حواء (جدّه) ثلاثة يوماً معدوداً.

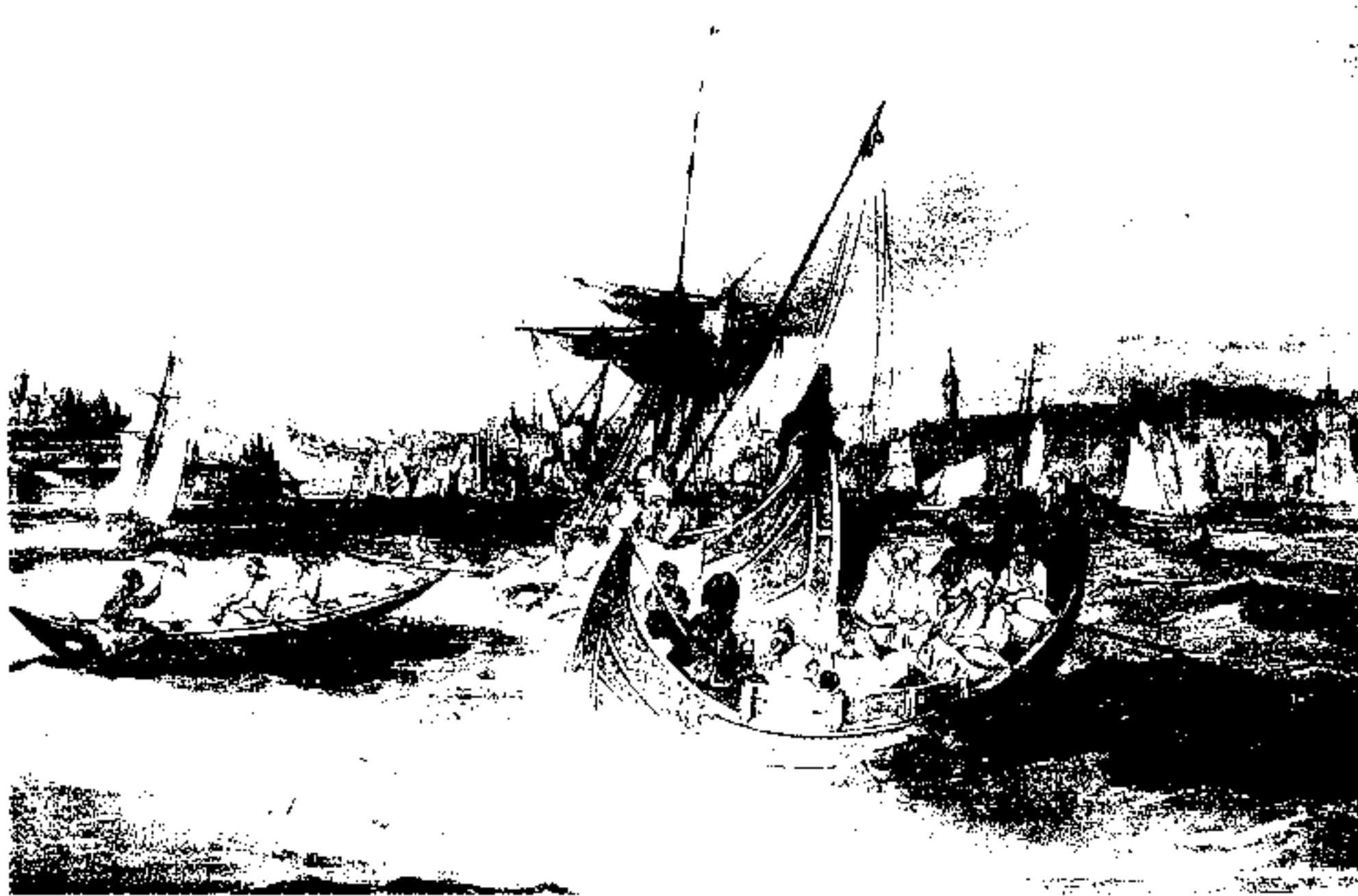
فسبحان الله و الحمد لله الذي قد اذن لعبده يوم الرابع من العشر الثالث من شهر الذي قد طلع بعد شهر الحرام للركوب على الفلك المسخر على الماء سفينة الذي قد ركبت فيها في يوم الصعود الى بيت الله الحرام فلله الحمد حمداً شعشعانياً متلامعاً متقدساً بتقدیس الله و فضله على كل الخلق انه لا اله الا هو رب العزة على الخلق اجمعين و له الحمد و الكبرياء كما هو اهله بثناء يفضل على كل شيء كفضل الله لنفسه انه لا اله الا هو ليس كمثله شيء و هو العلیّ الكبير.

مضمون و خلاصه بیان مبارک اینکه در اول ذی‌حجه ۱۲۶۰ به جدّه رسیدم و تا روز سیزدهم این ماه مناسک حج را اجراء نمودم و ۲۷ روز در مکه و ۲۷ روز در مدینه به زیارت اماکن مقدسه اشتغال داشتم و مدت ۱۲ روز از مدینه تا جدّه طول کشید و سه روز در جدّه ماندم و روز چهارم که بیست و چهارم ماه صفر بود با همان کشتی که از بوشهر به جدّه آمده بودم (کشتی ثلث) به سمت مسقط روانه گشتم.

در سفری که حضرت ربّ اعلیّ با کشتی نمودند صدمات و ابتلائات زیادی از ناحیه بعضی از حجاج شیرازی به اغواء و تحریک شیخ ابوهاشم بر حضرت باب وارد آمد که بیش از حدّ احصاء است.

ازدحام جماعت حجاج که غالباً از مردم شیراز بودند در سطح آن کشتی کوچک که «بغله» اش Baghleh می‌خوانده‌اند موقعیت مناسبی را برای شیخ ابوهاشم که قیادت حجاج





نقاشی از بقله به سال ۱۸۵۳ میلادی. این کشتی بمانند همان کشتی‌ای است که حضرت باب با آن از بوشهر به جدّه تشریف برده‌اند.

دریایش بیاندازد. پدر نگارنده، این سطور از زبان حاج ابوالحسن شیرازی که خود راکب همان کشتی بود می‌نویسد:

«روزی مرحوم حاج ابوالحسن اعلی‌الله مقامه ذکر مسافرت خودشان را به مکه برای این عبد حکایت کردند. می‌فرمودند: «اوقاتی که خدمت حضرت در کشتی بودم رگاب زیاد بودند و اغلب ضد بودند. از جمله شیخ ابوهاشم که خیلی لساناً و اذیت می‌کرد و جسارت به حضرت می‌نمود. آزار و اذیت او به قسمی شد که کاپیتان جهاز بعضی اوقات می‌آمد و او را نصیحت می‌کرد که چرا اینقدر این سید مظلوم را اذیت می‌کنی. باز دست بردار نبود تا روزی که با کاپیتان کشتی بنای مناقشه را گذارد و در میان آنها درگیری شدیدی روی داد بطوری که کاپیتان متغیر شد و حکم کرد که ملاح‌ها شیخ را به دریا بیاندازند و با کمال غضب و تفریب ایستاده بود و عجله به انداختن شیخ به دریا داشت. در این وقت حضرت تشریف فرما شدند و شفاعت فرمودند. کاپیتان قبول نمی‌کرد و سخت نهب

شیرازی را داشت فراهم کرده بود تا بتواند همراهان خودش را بر ضد حضرت باب بشورانند و از هیچ خبثت و جسارتی دریغ ننماید. او کینه و بغض حضرت اعلی‌را از این لحاظ در دل داشت که آن حضرت وجهاً من الوجوه به او که مردی ریاضت‌گرا و مزور و ظاهر فریب و بی‌سواد بود در حضور مردم اعتناء نمی‌فرمودند و در وقت تلاوت نماز به او اقتداء نمی‌کردند. او این عدم اعتناء و بی‌توجهی را در انتظار سایر حجج شیرازی توهینی عظیم به موقع و مقام خودش می‌دانست. از این رو بود که پیوسته در صد آزار و توهین به حضرت باب بود و عقده‌های درونیش به آن صورت جلوه می‌نمود.

کار جسارت و اهانت گاه و بی‌گاه او و همراهان و مرده‌اش بجائی رسید که ناخدای کشتی به دفعات او را نصیحت می‌نمود و اندرز می‌داد که دست از حضرت باب بردارد ولی نصیحت‌های او مفید به فایده نبود. بالاخره روزی با او درگیری شدید پیدا کرد و به خود ناخدا نیز اهانت نمود. ناخدا تصمیم گرفت که به

می‌نمود که این ملعون را به دریا بیاندازند. حضرت باب ملاحظه فرمودند شیخ ابوهاشم را به دریا خسواهند انداخت. او را محکم در بغل گرفتند و خواهش کردند تقصیرات شیخ را به من ببخشند. کاپیتان از شفاعت حضرت باب رقت حاصل کرد و گفت: «این ملعون بیش از همه کس اذیت به شما می‌کند و باید شما بیش از همه کس راضی به اعدام او باشید.» فرمودند: «اینها ستم بر خودشان می‌کنند. ما باید از اعمال آنها غمض عین نمائیم.» حاجی می‌فرمودند: «این مظلومیت مبارک و شفاعت از شیخ سبب شد که جمعی از رگاب کشتی حالشان تغییر کرد و از عداوت و ضدیتی که داشتند عاری و بری شدند.»

با تمام آنهمه مشقات و صدماتی که بر حضرت باب از دست منافقین وارد می‌آمد تفسیری بر سور قرآن کریم نازل شد که بالغ بر هفتاد هزار بیت بود. از فم اطهر نازل می‌شد و جناب قدّوس تحریر می‌کرد. ولی متأسفانه آن تفسیر به واسطه رزایا و بلایائی که پیوسته دامن‌گیر وجود مبارک بود از میان رفته است. نبیل زرندی نیز از قول حاج ابوالحسن مذکور می‌نویسد:

«از حاجی ابوالحسن شیرازی که در آن فُلك نجات از شاربین آب حیات بود شنیدم که از یوم ورود به سفینه تا یوم خروج که قریب دو ماه امتداد یافت هر وقت از روز و شب که چشم من به آن دو نیرِ اعلیٰ منور می‌شد ایشان را در حال تقریر و حضرت قدّوس را در تحریر مشغول دیدم. در اوقاتی که از شدت تلاطم امواج، ارکان ناخدا و یارانش در اضطراب و ارتحال بودند آن دو نور خدا در کمال بشاشت و ابتهاج به تقریر و تحریر آثار کلک بهاج مانند سراج

و حاج اشتغال داشتند.»

از نظر کلی در آن سفر حضرت نقطه اولی دچار گرفتاری‌های گوناگون بوده‌اند و از شش جهت بلایا و صدمات بر آن وجود اطهر مستولی بوده است. چنانچه در باب شانزدهم از واحد چهارم کتاب بیان فارسی اشاره می‌فرمایند، قوله جلّ سلطانه:

«چنانچه خود در سفر مکه دیدم که نفسی خرج‌های کلیه می‌نمود و از رفیق خود که هم منزل او بود به قدر يك فنجان آب از او مضایقه می‌نمود در کشتی بواسطه آنکه عزیز بود چنانچه خود من از بوشهر تا مسقط که دوازده روز طول کشید چون میسر نشد که آب بردارند به مدنی گذرانیده. مراقب خود باشید که در هیچ حال بر هیچ نفسی حزنی وارد نیاید.»

بعد از اینکه حضرت باب در شب اول ذی‌حجه ۱۲۶۰ به جدّه رسیدند بر شتری سوار شدند که مهار را جناب قدّوس در دست داشت و با پای پیاده طی طریق می‌نمود تا به مکه رسیدند. تمام مناسک حجّ بر حسب احکام دیانت اسلام در هر محلّ و مقام انجام شد و در روز عید اضحیٰ دستور فرمودند نوزده گوسفند به این ترتیب: ۹ گوسفند به نام وجود مبارک، ۷ گوسفند به نام جناب قدّوس و سه گوسفند به نام مبارک، غلام خودشان ذبح نمایند تا تمامی مناسک حجّ انجام شده باشد.

روز بعد از عید اضحیٰ، حضرت باب در حین طواف بیت الله، با میرزا محیط کرمانی که از علمای شیخیّه بود و با حضرت باب در سفری که به کربلا نموده بودند آشنائی و دوستی پیدا کرده بود و با حاج سید علی کرمانی که همراه میرزا محیط بود مواجه شدند.

حاج ابوالحسن گفته است: «در وقتی که



حاج ابوالحسن شیرازی

قم تباهل معی لدی الرکن عند حجر الاسود علی شأن الذی کنت عن قبل اهل الارض اجمعهم منکراً بعهدی حتی یحکم الله بیننا بالحق و الله علی ما اقول خبیر ثم الم اقل لك مرة اخرى تلك الكلمة فی المسجد الحرام بین المنبر و المقام تلقاء وجه الكعبة و الله علی ما اقول وکیل ثم الم اقل فی بیت مکه مقعد الصدق تلك الكلمة ثلاث کرات و انک لم تشعر بامرالله و الله علی ما اقول شهید .»

حضرت باب در مدینه نیز با او مواجه شدند ولیکن به هیچوجه اقبالی نکرد و دوری گزید و از وعده‌ای که در مکه گذاشته بود سر باز زد .

ادامه دارد

حضرت باب در جلو در کعبه به میرزا محیط رسیدند حاضر بودم که با او صحبت می‌فرمودند . بعد از اینکه مدتی مذاکرات آنها ادامه یافت دیدم حضرت باب حلقه، در کعبه را گرفتند و سه مرتبه با لحن مرتفع فرمودند : «انی انا القائم الذی کنتم به تنتظرون.» از بیان این جمله در ملاء عام میرزا محیط به وحشت افتاد و رنگ بباخت و به دنبال فرصتی بود که از آنجا دور شود و از حضرت باب دوری گزیند . به او فرمودند : اگر شکمی از این ادعا در قلب خودت احساس می‌کنی حاضریم با تو مباحله کنیم . از این حرف وحشت خاطر میرزا محیط فزونی گرفت و متعذر گردید که چون در اینجا جمعیت مردم زیاد هستند مجال مذاکره نیست . وعده ملاقات مجدد و مذاکرات مفصل را در مدینه می‌گذاریم . من بعضی سؤالها دارم که جواب می‌خواهم . حضرت اعلیٰ قبول فرموده ، او را رها کردند و من دیگر او را ندیدم .»

حضرت اعلیٰ برای رفع ریب و شکوک قلبی او در رسالت حضرتش ، در بین راه مکه و مدینه شرحی مرقوم فرموده‌اند که به رساله بین الحرمین شهرت دارد و در آن رساله از جزئیات مذاکراتی که با او فرموده‌اند و مورد بحث قرار گرفته ، به نام و نشان یاد فرموده و متذکر می‌دارند ، قال و قوله الحق :

«اللهم انی أشهدک بما قلت فی المسجد الحرام عند الکعبة بیتک الحرام علی السائل تلك الآيات الاولى بما قد نزلت علی حبیبک محمد صلی الله و آله فی الفرقان من قبل و ان حاجوک فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین فبحقک الذی لا اله الا انت لم یقبل من عبدک و کفی بالله علیه شهیدا .»

فیا ایها السائل المحيط الم اقل لك فی المسجد الحرام تلقاء الکعبة من شطر رکن الغربی علی محلک و مقدم المنبر فی اللیلة النصف من الشهر الحرام شهر الحج بعد ما قد مضت من اول اللیل بثلاث ساعات اقبل دعائی و

# تحولات شگرف مخابرات

به مناسبت روز جهانی مخابرات

از جمله نخستین سازمان‌های بین‌المللی که در نیمه دوم قرن گذشته به وجود آمد، یکی هم سازمان یا اتحادیه تلگرافی بین‌المللی بود که بیست کشور امضاء کننده میثاق‌نامه بین‌المللی تلگراف آن را در سال ۱۸۶۵ تأسیس کردند.

هر سال روزی را در تاریخ ۱۷ ماه می به عنوان روز جهانی مخابرات به برنامه‌ها و فعالیت‌های گونه‌گون که یادآور این مؤسسه مهم بین‌المللی و خدمات آن در پهنه ۱۸۴ کشور عضو است اختصاص می‌دهند. امسال (۱۹۹۵) موضوع روز مذکور، مخابرات و محیط زیست است و از جمله بحث‌ها و گفتگوها این خواهد بود که وسائل مخابراتی چون تلفن، رادیو و نظائر آن چه نقش مثبتی در شناسائی و گزارش احوال محیط زیست و تحوّل آنها ایفاء کرده و می‌کنند.

گزارش سال ۱۹۹۴ سازمان نامبرده (UIT) مربوط به توسعه جهانی مخابرات حاکی از آن است که ده سال اخیر در تاریخ جهان شاهد تحولات بسیار عظیمی در عرصه مخابرات بوده است: از کاربرد و رواج وسائل مخابراتی متحرک، همبستگی میان مخابرات و انفرماتیک (کامپیوتر)، پدید آمدن و رونق فنون تازه‌ای چون سوادبرداری از راه دور (فاکس) تا مکاتبه از طریق وسائل الکترونیک (E. Mail). البته در

همین ده سال، شکاف و فاصله میان ممالک فقیر و غنی از جهت مخابرات افزایش بی‌سابقه‌ای پیدا کرده کما اینکه هنوز از هر سه خانواده مخصوصاً در ممالک در حال توسعه و فقیر، دو تای آنها در منزل تلفن دارند.

شبهه‌ای نیست که وسائل مخابرات جدید، جهان را به قول مک لوهان Mc. Luhan جامعه‌شناس کانادائی به صورت دهکده‌ای دنیائی درآورده و عملاً مرزهای ملی را با سرعت شگفت خود در نور دیده و پشت سر نهاده است. در سال ۱۹۹۲، سکنه کره، ارض بیش از ۴۰ میلیارد دقیقه مکالمه، تلفنی بین‌المللی داشته، یعنی به طور متوسط هر فرد، هفتاد دقیقه مخابره با سرزمین‌های وری مرزی داشته است. همین کثرت مکالمات بین المللی موجب شده که نه فقط در زمینه تلفن بلکه در زمینه‌های دیگر هم کار از انحصار دولتها بیرون آمده، بخش خصوصی فعالیت خود را در عرصه وسیع مخابرات گسترش چشمگیری داده است.

از اختراع تلگراف و مخابره اولین پیام تلگرافی (بین خدا چه کرده!) در سال ۱۸۴۴ توسط مورس که امکان مخابره از راه دور را فراهم ساخت تا این زمان که قمرهای مصنوعی بر گرد کره زمین در گردشند و در هر ثانیه هزاران خبر و تصویر را به سراسر جهان



می کرده، پس از گفتگوی يك دو نفر، مستر بل خواهش بیان مقدمه‌ای در تاریخ این امر از جناب علیقلی خان سفیر ایران نمود. پس از آن رجای نطق مبارک کرد و از تشریف فرمائی مبارک شکر و ستایش نمود. لهذا از لسان اطهر مقدمه‌ای در ذکر حسن اخلاق و آداب حضرات و بعد شرحی در فضائل و نتایج علم و عظمت این عصر و ارتباط نوع انسانی و ذکر ظهور بدیع صادر و جاری. مستر بل بی‌نهایت شادمان شده، برخاست و اظهار ممنونیت و تشکر از بیانات صادره از فم اطهر نمود... چند نفری صحبت مختصری نمودند تا مجلس برخاست و مستر بل به حضور مبارک و سایرین اشاره، رفیق به تالار دیگر نمود... [حضرت عبدالبهاء] باز مشغول صحبت شدند و به واسطه، مستر بل با حرم و دخترش گفتگو فرمودند. خانم محترمه، ایشان گنگ و گز بود ولی به واسطه، اشارات و حرکات دست و فشار انگشتها با او صحبت می‌کردند... از قرار مذکور مستر بل در بدو اختراع تلفن مقصودش اختراع آلتی برای مکالمه با کران و گنگان بوده. از بس تعلق به حرم محترمه‌اش داشته، شب و روز در این فکر می‌کوشد و نتیجه، آن اختراع تلفن می‌شود و از آن اختراع به مقصد اول نائل نمی‌گردد... به مناسبت این صحبت، لسان مبارک به این بیان ناطق که «اکثر صنایع مهمه از همین راه اختراع شده مانند طلب کیمیا که سبب ظهور هزارها ادویه، مفیده گشته و یا به جهت عبور به خط مستقیم از اروپا به هند کشف قطعه، امریکا شده و قس علی هذا.» (بدایع الآثار ج ۱، صص ۵۱-۴۹).

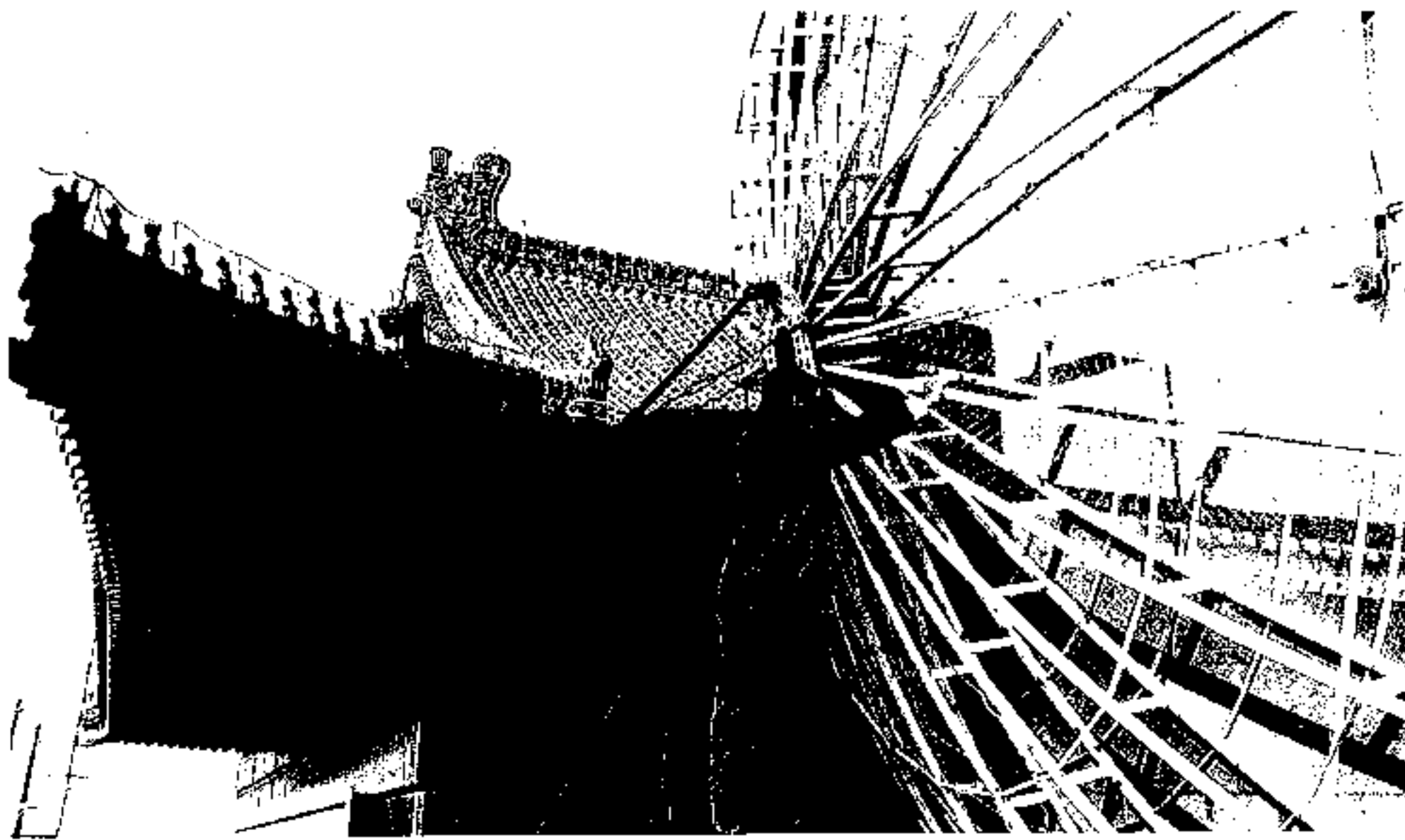
در پی اختراع تلگراف و تلفن، رادیو و تلویزیون نیز به وسائل ارتباطات راه دور منضم

شده، کار انتقال خبر را به سراسر عالم تسهیل نمود. در سال ۱۹۹۱ نزدیک به يك میلیاردها گیرنده، رادیو در اختیار مردم جهان بود یعنی برای هر صد نفر ۳۷ گیرنده و نیز در همان سال تعداد گیرنده‌های تلویزیون را ۸۵۳ میلیون برآورد کرده‌اند که تقریباً به هر صد نفر ۱۶ دستگاه می‌رسد. اما این زبان آماری و آمارگران است، توزیع واقعی این وسائل در همه، کشورها یکسان نیست. معالاسف باید گفت که نظام سودجویانه، اقتصاد جهان کنونی، دنیا را به نحو غم‌انگیزی به دو ناحیه، متمایز از هم تقسیم کرده است که تازه‌ترین نام این دو ناحیه «شمال و جنوب» است. شمال را کشورهای مرفه با صنعتی پیشرفته و برخوردار از ترقیات علمی و صنعتی تشکیل می‌دهد و جنوب، ممالک فقیر و کم درآمد را در بر می‌گیرد. به گواهی آمار بانک جهانی در سال ۱۹۹۳ درآمد سرانه، غنی‌ترین کشور جهان چهار صد و پنجاه برابر درآمد سرانه، فقیرترین کشور دنیا بوده است. همین اختلاف ترس‌آور در برخورداری از وسایط مخابرات راه دور نیز مشاهده می‌شود. فی المثل در ایالات متحده، امریکای شمالی برای هر هزار نفر هشتصد دستگاه تلفن موجود است در حالی که برای همین تعداد از مردم هند فقط هفت دستگاه گیرنده، تلفن فراهم است. همین رابطه را در تعداد فرستنده‌های رادیو و تلویزیون نیز ملاحظه می‌کنیم. در سال ۱۹۸۸ در امریکای شمالی ۱۱,۶۰۰ فرستنده، رادیویی و ۶,۸۰۰ فرستنده، تلویزیونی دایر بوده. در هندوستان این ارقام به ترتیب ۱۹۰ و ۱۷۴ بوده است.

با اطمینان توان گفت که اختلاف سطح زندگی و به تبع آن اختلاف در میزان بهره‌مندی از وسائل ارتباطات راه دور و نزدیک در ممالک غنی

آنتهای

و فقیر چند  
کنونی حاکم  
نزدیک حاکم  
پیش‌بینی  
شدن «شما»  
مصنوعی  
امکان انت  
تلویزیونی  
از مردم ج  
خواهند ش  
وسایط مخ  
کنونی را  
کارشناسان  
را به کار  
هر کس در  
داده، نتایج  
خواهد د  
رفت و آمد  
فردی و جم  
راهها اش



آنتنهای عظیم ماهواره‌ای که در سراسر دنیا نصب می‌شود جهان را بصورت يك دهکده کوچک درآورده.

تا حدودی پذیرفتنی است اما به جنبه‌های منفی آن که انزوای افراد و قطع تماس و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر است ناظر نیستند.

هم اکنون اقمار مصنوعی بی‌شماری که بر گرد کره زمین در گردشند اطلاعات دقیقی از وضع محیط زیست از قبیل آلودگی جو، تقلیل درجه حرارت هوای محیط بر کره زمین، خشکسالی، نابودی جنگل‌ها، پیشرفت و پسرفت آب دریاها و امثال اینها جمع‌آوری و در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. اما استفاده از این اطلاعات برای بهبود محیط زیست و جلوگیری از آفات طبیعی و پاکسازی دریاها و رودخانه‌ها همه مستلزم صرف هزینه‌های هنگفتی است که ممالک غنی و صنعتی که خود عوامل عمده ویرانی محیط زیست اند از پرداخت آن سر باز می‌زنند و فقط گاه به گاه در مجامع بین‌المللی در این زمینه‌ها به سخنرانی پرداخته، تظاهر به همدلی و نگرانی کرده، تعهداتی می‌سپارند که هیچگاه عمل نمی‌شود.

در روز بین‌المللی مخابرات تنها از پیشرفت

و فقیر چنان عمیق و هول‌انگیز است که با نظام کنونی حاکم بر جهان، ایجاد تعادلی را در آینده، نزدیک حسی در آینده، دور نوید نمی‌دهد. پیش‌بینی می‌شود که در پایان این قرن با دایر شدن «شاهراه‌های اطلاعاتی» و با کمک اقمار مصنوعی مخابراتی، برای هر گیرنده تلویزیونی امکان انتخاب و دریافت سیصد برنامه، تلویزیونی فراهم خواهد شد. اما آیا چند درصد از مردم جهان از این پدیده، شگفت بهره‌مند خواهند شد؟ و نیز پیشرفت عظیم انفرماتیک و وسایط مخابرات راه دور بخش عظیمی از مشاغل کنونی را به انزوا خواهد برد یعنی بسیاری از کارشناسان و متخصصان در رشته‌های گونه‌گون را به کار انفرادی قادر خواهد نمود به نحوی که هر کس در محل سکونت خود کار خود را انجام داده، نتایج آن را به مرکز سازمان خود انتقال خواهد داد. کارشناسان در این زمینه به تقلیل رفت و آمد و استفاده کمتر از وسائل نقلیه، فردی و جمعی و در نتیجه سبک شدن ترافیک در راه‌ها اشاره می‌کنند و این را مزیتی می‌دانند که

تسهیل  
بیارد  
یعنی  
ن سال  
سیون  
۱۶  
رگران  
شورها  
نظام  
به نحو  
تسیم  
شمال  
رقه با  
صمی و  
و که  
ر پیک  
ی‌ترین  
در مد  
همین  
یط  
ن مثل  
ر هزار  
ر حی  
ر هفت  
ر بده  
ن نیز  
یکی  
۶.۸۰  
ستن  
مضح  
عمدی  
ت غنی

فنون و گسترش ارتباط مادی بشر که زمینه‌ساز تحقق جامعهای به پهنای گره خاک است نباید سخن گفت زیرا که این ارتباط مادی با همه امکانات شکفتانگیز خود در ارتباط معنوی آحاد خانواده، جهانی توفیقی اندک داشته است. علی‌الاصول همه علوم و صنایع و اختراعات اگر با ایمان و اعتقاد به وحدت نوع بشر همراه و همعنان نشود از تأثیرات نهائی خود که تأمین رفاه نوع انسان است محروم خواهد ماند. هدف غائی وسائط ارتباط جهانی در حال حاضر تمتع مادی و سود تجاری است در حالی که قوه خلاقه، حق که سبب اصلی ظهور این همه اکتشافات و اختراعات است هدفی جز رفاه و آسایش اهل عالم و تحقق عدالت اجتماعی نداشته و ندارد.

در آثار مبارکه، بهائی از دو گونه مخابره، معنوی سخن رفته است: یکی مخابره قلوب با یکدیگر است که حتی نیاز به وسایل مادی ندارد و دیگر مخابره، با حق است که از طریق دعا و مناجات صورت می‌گیرد و این گونه مخابرات است که موجب همدلی و همبستگی افراد خانواده، جهانی شده و خواهد شد. نیاز بردن به درگاه خالق عظیم است که ارتباط عالم ناسوت را با جهان ملکوت برقرار می‌سازد. به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء: «دعا واسطه، ارتباط میانه، حق و خلق است و سبب توجه و تعلق قلب، هرگز از اعلیٰ به ادنی، بدون واسطه، تعلق و ارتباط حاصل نگردد.» (مائده، آسمانی ج ۹، ص ۲۹).

تأثیر مخابره، روحانی از طریق مناجات و دعا به درگاه الهی چنان است که به شهادت قلم اعلیٰ کسی که آیات الهی را در خلوت خانه، خود تلاوت کند، ملائک آسمانی نفعات کلام

الهی را در جمیع جهات منتشر می‌کنند و سبب تقلیب نفوس سلیمه می‌شود. (ر. ک. مائده آسمانی ج ۴، ص ۲۴۱) راز و نیاز پاکدلان به آستان جانان می‌تواند به چنان کمالی نائل آید که از «هممه، حروف و کلمات» و «دممه، الفاظ و اصوات» بی‌نیاز شود. (ر. ک. مناجات حضرت عبدالبهاء، مائده، آسمانی ج ۵، ص ۶۷).

و نیز در آثار قلم مرکز میثاق شواهدی زیارت می‌شود که حکایت از ارتباطات معنوی و روحانی از راه دور دارد. در لوحی می‌فرمایند: «ای بلبل گلبن روحانی، یک ترانه به نوای خوش رحمانی در عید رضوان، در ستایش و نیایش جمال رحمان بنواز که هدیر یا بهاء، الاهی به گوش این عبد برسد.» (مکاتیب ج ۶، ص ۳۱) و نیز این بیان زیبا شاهدهی دیگر بر ارتباطات روحانی است: «... جناب نصرالهی را بگو: کو آن ساز و نوازت و کو آن نغمه و آوازت؟ تو آنجا بخوان تا ما در اینجا بشنویم، زیرا اگر اصوات نرسد، اهتزاز اوتار معانی به سمع پیران الهی درآید.» (مکاتیب ج ۷، ص ۲۷).

تکامل و گسترش دامنه مخابرات جهانی بسیار عظیم است و عظیم‌تر خواهد شد اما به کلام ملکوتی حضرت عبدالبهاء، در مخابرات «اصل، توجه قلوب است نه ترسل صحائف پر عرض و طول.» (مکاتیب ج ۶، ص ۳۱).

پیام بهائی

#### یادداشت

آمار این گفتار از منابع ذیل نقل شده است:

- ۱- گزارش سال ۱۹۹۴ اتحادیه جهانی مخابرات.
- ۲- سالنامه اطلاعاتی دایرة المعارف بریطانیکا ۱۹۹۰.
- ۳- آمار بانک جهانی برای سال ۱۹۹۳.
- ۴- سالنامه آماری یونسکو ۱۹۹۳.



# تاریخ نبیل و سه دیدار تاریخی حضرت نقطه اولی

دکتر گیو خاوری

روشن می‌شود<sup>۱</sup> و این معنی به نظر نگارنده قرین‌ایست بر اینکه تاریخ نبیل تا فصلی که مورد ترجمه آن حضرت قرار گرفت مورد تأیید بوده است. این ترجمه تحت عنوان «مطالع الانوار» بعداً به عربی درآمد و ملخص آن از عربی به فارسی با نام «تلخیص تاریخ نبیل زرنندی» ترجمه شد که این ترجمه، فارسی مورد عنایت و قبول حضرت ولی امرالله قرار گرفت.

جناب نبیل به استناد روایت شیخ حسن زرنوزی در فصل دوم تاریخ خود از دو دیدار تاریخی حضرت نقطه اولی با مبشرشان سید کاظم رشتی یکی در بیت مبارک در کربلا و دیگری در مجلس درس جناب سید رشتی حکایت می‌کند ولی از ملاقات دیگری که آن هم در کربلا به دعوت جناب ملا صادق مقدس خراسانی در منزل وی صورت گرفت سخن به میان نمی‌آورد. شرح این دیدار در کتاب «حضرت نقطه اولی» مبسوطاً آمده است ولی این مسئله که جناب ملا صادق مقدس دیدار مزبور را برای چه کسی حکایت کرده که ضبط تاریخ شده است در کتاب مزبور اشاره‌ای بدان نمی‌شود. بهر حال شرح دلکش این دیدار تاریخی که در تاریخ نبیل ضبط نشده است از این قرار است:

«... حضرت اعلیٰ غالباً به زیارت مرقد حضرت امام حسین مشرف می‌شدند و برای رعایت احترام و تجلیل مقام امام همام داخل ضریح نشده، در پائین سر، جلوی در ورود ایستاده، با

نبیل زرنندی که به دریافت لقب مورخ فناپذیر از قلم معجز شیم حضرت ولی امرالله نائل شده است در مقدمه، تاریخ مشهور خود می‌نویسد: «شکر خداوند را که مرا به نگارش این اوراق تأیید فرمود و آن را به این موهبت متبارک و مشرف ساخت که حضرت بهاءالله بنفسه الجلیل تفضل و عنایت فرمودند و این اوراق را مراجعه نمودند. میرزا آقاخان، کاتب وحی، در حضور مبارک این اوراق را قرائت نمود و به رضا و قبول هیکل مقدسش فائز و مفتخر گشت. از خدا خواهم که به نصرت و هدایت خود مرا از اشتباه و خطا در اجرای این مقصود مهم محافظه فرماید و به اتمامش تأیید نماید. محمد زرنندی، عکا- فلسطین، ۱۳۰۵ هجری.»<sup>۱</sup>

در عبارات اخیر مورخ آرزو می‌کند که خداوند او را تا اتمام نگارش تاریخی که به عهده گرفته است از اشتباه و خطا مصون دارد. بنابر این تمام مندرجات تاریخ نبیل در حضور مبارک حضرت بهاءالله قرائت نشده و موهبت تأیید و قبول نیافته است که مورخ در مورد اتمام آن از خداوند یاری می‌طلبد تا او را از اشتباه و خطا مصون فرماید. از مقدمه، تاریخ مزبور این معنی که چه مقدار از تاریخ نبیل مورد رضا و قبول هیکل مبارک قرار گرفته مستفاد نمی‌شود اما از آنجا که حضرت ولی عزیز امرالله تا مبحث «تبعید حضرت بهاءالله به بغداد» از تاریخ نبیل را به زیور ترجمه به زبان انگلیسی آراستند جواب پرسش مزبور شاید

حالت خضوع و خشوع کامل در حالی که اشک از دیدگان آن حضرت فرو می‌ریخت زیارتنامه تلاوت می‌نمود و از همان نقطه با حالت ادب و احترام زائد الوصف رو به قبر امام مراجعت می‌فرمودند و این نحو از زیارت و خضوع و احترام تمام انظار زائرین آن بقعه، مطهره را به جانب آن حضرت معطوف می‌داشت... از جمله نفوسی که در حالت زیارت منجذب به آن حضرت گشت جناب ملا صادق مقدس خراسانی<sup>۲</sup> از کبار علماء و اصحاب جناب سید رشتی بود که در کربلا سکونت اختیار نموده و روزی در موقع زیارت مرقد امام حسین ناگهان چشمش به سید جوانی افتاد که چهره‌اش در نهایت صباحت و ملاحهت جذاب و در کمال خضوع و خشوع و ابتهال و توجه تام در خارج ضریح، دور از مرقد امام ایستاده و اشک از دیدگانش جاریست. [او] از مشاهده این حالت متحیر و منجذب گشت و روز دیگر نیز باز آن حضرت را به همین حالت دیده، نزدیک رفت و سلام داد ولی آن حضرت چنان مستغرق در عوالم روحانی و انجذاب بودند که جوابی نفرمودند. و ملا صادق تأمل کرد تا [ایشان] از زیارت فراغت حاصل نموده، در کمال ادب خارج شدند. آنگاه نزدیک رفته، سلام گفت و آن حضرت جواب داده، رسم احترام بجای آوردند. جناب مقدس با کمال ادب از آن حضرت تقاضا نمود که روز جمعه به منزل او که مجلس ذکر مصیبت حضرت امام حسین برپاست و جناب سید رشتی و همراهان در آن مجلس شرکت می‌نمایند تشریف بیاورند. آن حضرت دعوت و تقاضای ایشان را پذیرفته، فرمودند زهی سعادت و شرافت که انسان در مجلسی که ذکر نور الله الاعظم بشود حضور یابد (حضرت اعلیٰ در همه جا حضرت امام حسین را با جمله نور الله الاعظم یاد فرموده‌اند) و نسبت به جناب مقدس بسیار

اظهار ملاطفت فرمودند و در روز موعود هنگامی که جناب سید کاظم رشتی و جمعی از تلامیذ در منزل جناب مقدس حاضر شده بودند و جناب ملا حسین بشرویه‌ئی در بالای منبر ذکر مصیبت می‌نمود حضرت نقطه، اولیٰ ورود فرمودند و چون جناب سید چشمش به آن حضرت افتاد به پاس احترام ایشان قیام نمود و تمام حضار مجلس نیز به تبعیت از استاد خود از جای خود بلند شده، احترام نمودند و این باعث تعجب حضار گردید. زیرا جناب سید در مواقع وعظ و روضه‌خوانی هیچگاه برای اشخاص هر قدر هم مهم و مقتدر بودند به پا نمی‌خاست. ملا حسین نیز که بالای منبر نشسته بود و به ذکر مصیبت مشغول بود ناگهان از این پیش‌آمد غیر مترقب صحبت خود را قطع نموده، متحیر و مبهوت ماند. جناب سید در مقابل آن حضرت تواضع نموده و به تکرار گفت: سیدنا اینجا. بالاتر، بالاتر بفرمائید. و هر دفعه محلّ جلوس خود را نشان می‌داد و خواهش می‌نمود که آنجا جلوس فرمایند. ولی آن حضرت قبول نفرموده، در داخل مجلس نزدیک به در ورود جلوس فرمودند و همینقدر که مجلس آرام و صورت عادی یافت جناب سید رشتی به ملا حسین فرمودند چند بیت از اشعار جناب شیخ احساسی که در مصیبت امام شهید انشاء نموده بخواند. و او شروع به خواندن ابیات نمود و در این موقع به آن حضرت چنان حالت حزن و اندوه دست داد که بی‌اختیار می‌گریستند. بطوری که تمام حاضرین مجلس متأثر شده، گریستند و مجلس به خواندن این چند بیت خاتمه یافت و شربت حاضر شده، آن حضرت و تمام حاضرین نوشیدند و جناب سید رشتی معذرت خواسته، برای حضور در مجلس ذکر مصیبت که در منزل خود ایشان منعقد بود منزل ملا صادق را ترک نمود. اصحاب نیز با ایشان رفتند. آنگاه ملا صادق از آن حضرت خواهش نمود

قبیل مواضع نبود تا روزی که حضرت اعلیٰ را یک مرتبه در مجلس درس سید کاظم رشتی دیده و چندی نگذشت که آن حضرت به شیراز مراجعت فرمودند. مدت توقف آن حضرت در کربلا بیش از یک سال بطول نیانجامید و چون والده، مکرّمه، آن حضرت طاقت تحمل دوری یگانه فرزند دلیند خود را نداشتند شوق دیدار فرزند دلیند، ایشان را به بازگردانیدن آن حضرت وادار نمود و جناب حاج میرزا سید علی خال نیز به همین قصد و نیت به کربلا آمده و مراجعت نمودند. ولی تقدیرات الهیه بر آن بود که تا میقات معلوم، اقامت مبارک در آنجا بطول انجامد تا نفوس مستعدّه، اهل دین و تقوی و طالبین راه هدی که در حوزه درس جناب سید رشتی به روح معارف و تعلیمات آن بزرگوار پی برده و در حال انتظار بسر می بردند به زیارت آن حضرت نائل و انجذاب و محبت حاصل نموده و برای یوم موعود آماده و مهیای قیام و اقدام گردند. و چون این مقصد و مقصود به نحو دلخواه حاصل گردید به تقدیرات الهیه آن حضرت به شیراز مراجعت فرمودند.

قسمتی از دعا و مناجاتی که از قلم مبارک نازل و سنین اقامت در شیراز و بوشهر و کربلا را در آن معین فرموده اند در این مقام درج می گردد:

"یا الهی تعلم من اول یوم الذی قد خلقتنی من ماء محبتک الی ان قضی من عمری خمس و عشر سنة لقد کنت فی ارضی الّتی قد شهدت علی خلقی علیها ثم قد اصعدتني علی جزيرة البحر هنالك اتّجرت بالأء مملکتک و ما قد خصصتني من جواهر بدائع عنایتک الی ان قضی خمسة هنالك قد سعدت الی ارض المقدّسة و قد قضی عني حولاً هنالك ثم قد رجعت الی ارض الّتی قد شهدت خلقی علیها و استشهدت فواضلك العلیا و مواهبك العظمی هنالك..." (این مناجات در ایام سجن چهریق از قلم مبارک نازل گردیده است.) در این موقع که

که بالاتر بنشینند و آن حضرت بلند شده، در محلی که قبلاً سید کاظم نشسته بود جالس شدند و شربتی دیگر نوشیده، با ملا صادق خداحافظی نموده، بیرون شدند. (در تاریخ مسیو نیکلا فرانسوی نیز از این حکایت مفصل و مشروح ذکر شده است.)

پس از سه روز مجدداً ملا صادق مقدّس آن حضرت را در حرم مطهر امام حسین ملاقات نمود و در این مرتبه آن حضرت به او فرمودند دانی من (جناب حاج سید علی) از شیراز آمده اند. آیا میل دارید ایشان را ملاقات نمائید؟ جناب ملا صادق این دعوت را پذیرفته، به دیدن جناب خال رفتند و از ملاقات ایشان دریافت که ایشان برای زیارت و هم برای اینکه آن حضرت را با خود به شیراز ببرند آمده اند. لذا با ایشان [جناب خال] از صفات و اخلاق ممدوحه، آن حضرت مذاکره نموده، گفت هرگز جوانی با اینهمه مزایای اخلاقی و صفات رحمانی ندیده ام. جناب خال فرمودند همشیره زاده، من از جهت اخلاق و صفات قابل تمجید است. تنها چیزی که مایه نگرانی ما است اینست که می بینم به تحصیل میل و رغبت نشان نمی دهد و چون در اینجا کاری ندارد میل دارم دوباره ایشان را به شیراز مراجعت دهم. ولی جناب ملا صادق که مایل بود آن حضرت به معارف شیخ و سید آشنا شوند از جناب خال خواهش کرد که از این نیت صرف نظر نمایند و تعهد نمودند که آن حضرت را به تحصیل تشویق و وادار نمایند. لذا جناب خال به این وعده، جناب ملا صادق قانع و راضی شده و چون ایام زیارتش خاتمه یافت به شیراز مراجعت نمود.

جناب مقدّس با وجود تعهدی که کرده بود نتوانست با آن حضرت در این باره صحبتی بنماید و چنان تحت تأثیر رفتار و اخلاق و صفات آن حضرت قرار گرفته بود که قادر به تکلم در این

## يك خبر خوب

## فهرست کامل مندرجات مجله پیام بهائی

فهرست کامل مندرجات مجله پیام بهائی از آغاز انتشار تا دسامبر ۱۹۹۱ (شماره‌های ۱-۱۴۵) اینک آماده انتشار است. از سال ۱۹۹۲ به این طرف فهرست تفصیلی هر سال در آخرین شماره همان سال درج شده است.

این فهرست برای نویسندگان، پژوهشگران، و علاقمندان به مطالعه دست‌آبزار بسیار ارزنده‌ای است. مطالب مندرجه در این فهرست زیر نه عنوان کلی طبقه‌بندی شده‌اند: آثار مبارکه - دستخط‌های بیت العدل اعظم - مقالات - شرح حال - شعر - معرفی کتاب - مسابقه - پرسش و پاسخ - تصاویر. با کمک این فهرست می‌توان به آسانی به مقالاتی که در مورد موضوع خاصی نوشته شده دسترسی یافت.

برای مثال اگر کسی بخواهد بداند دستخط بیت العدل اعظم در مورد نگین اسم اعظم در چه شماره‌ای آمده و یا شعر جناب نعیم در مورد عید اعظم رضوان در کجا چاپ شده و یا مقاله جناب جلال خاضع در مورد نسخه اصل کتاب ایقان را در کدام شماره از پیام بهائی می‌توان خواند از داشتن این فهرست گزیری ندارد. این فهرست همچنین شامل نام شهداء و متصاعدین الی‌الله در این سال‌ها می‌باشد. بطور خلاصه این فهرست کلید دست‌یافتن به گنجینه غنی عناوین صدها لوح، دستخط بیت العدل اعظم، مقاله، و یا شعر و داستانست که در طی بیش از ۱۲ سال در این مجله درج شده است.

توجه: فهرست کامل مندرجات پیام بهائی فقط يك بار، به تعداد درخواست‌کنندگان تکثیر شده، پس از ارسال وجه برای خواستاران فرستاده می‌شود. بهای فهرست ۱۰۰ فرانک فرانسه است. ترتیب ارسال وجه همان ترتیب ارسال حق اشتراك مجله می‌باشد. آخرین مهلت تقاضا پایان ماه اوت ۱۹۹۵ است.

چندی از مراجعت آن حضرت گذشت والده معظمه و جناب خال که از بازگشت آن حضرت قرین سرور و حبور بودند اقدام نموده، وسایل ازدواج آن حضرت را فراهم ساختند و سرکار خدیجه بیگم صبیّه، جناب آقا میرسید علی عم والده را به ازدواج آن حضرت درآوردند...» (به نقل از کتاب حضرت نقطه اولی، چاپ آلمان، ۱۹۸۷ میلادی، صص ۹۹-۱۰۵)

## یادداشتها

۱- مطالع الانوار، تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ترجمه و تلخیص جناب عبدالحمید اشراق خاوری، نشر چهارم، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع.

۲- ترجمه انگلیسی تاریخ نبیل با نام The Dawn-Breakers که با بخشی زیر عنوان «آزادی حضرت بهاء‌الله و تبعیدشان به بغداد» پایان می‌یابد.

۳- جناب ملا صادق مقدس خراسانی در زمان اظهار امر حضرت باب در اصفهان بودند و بعد از حروف حی به آن حضرت مؤمن شدند و در شیراز با جناب قدوس و جناب ملا علی اکبر اردستانی اولین مؤمنینی بودند که مورد عذاب و ضرب و زجر قرار گرفتند و از جمله ایشان را هزار ضربه شلاق زدند... حضرتشان از قلم اعلی به لقب «اصدق» و «اسم الله الاصدق» ملقب گشتند و در ۱۲۰۶ قمری در همدان به ملکوت ابهی صعود نمودند. (به نقل از فرهنگ لغات منتخبه، تألیف جناب دکتر ریاض قدیمی، ص ۴۳۹) حضرت عبدالبهاء در کتاب مستطاب تذکرة الوفاء که به شرح حال هفتاد تن از قدماء و احباب که در زمان آن حضرت به ملکوت ابهی صعود نموده بودند تخصیص یافته است و با شرح حال جناب نبیل اکبر آغاز فرموده و به ذکر احوال جناب طاهره پایان داده‌اند شرح احوال جناب مقدس را پس از ذکر احوال جناب نبیل اکبر مرقوم فرموده‌اند.

# لزوم تحقیقی اساسی در تاریخ امر

دکتر بهمن نیکاندیش

در این زمینه خواننده، ایرانی با سکوتی سنگین روبرو می‌شود گوئی چنین اتفاقی هرگز در عرصه، گیتی رخ نداده است. اگر هم نویسندگانی به اجبار اشاره‌ای به امر بهائی نماید متأسفانه داوری او از تعصب و کینه‌ورزی آشکار خالی نیست. اشاره‌هایی که گه‌گاه در آثار مورخین خارجی به این موضوع می‌شود کوتاه و اغلب بر اساس کتاب‌های اکنون کهنه‌ای است که در اواخر قرن نوزدهم و یا اوایل این قرن درباره، دیانت حضرت باب نگاشته شده است.

باید از روی انصاف گفت محققین و مورخینی که زمینه، تحقیقشان تاریخ معاصر ایران است در این زمینه تقصیری ندارند. محقق یا دانشجوئی که بخواهد در تاریخ امر مطالعه نماید در رجوع به کتاب‌خانه‌ها اگر کتابی بیابد هنوز آثار ادوارد براون یا نیکلا و گوبینو، و از محققین تازه‌تر کتابها و مقالاتی است که متأسفانه از غرض و کنایه و نیش خالی نیست. البته ادبیات بهائی از کتابهای تاریخی تهی و بی‌بهره نیست، کتاب‌هایی که بهائیان تألیف کرده و در این مقاله اجمالاً به آنها اشاره خواهد شد همه در مسائل مختلف تاریخ امر بحث می‌کند، اما با توجه به اهمیت موضوع، و وسعت یک قرن و نیم تاریخ، این کتابها به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای امروز

اظهار امر حضرت اعلی که در این ماه جهان بهائی آن را جشن می‌گیرد نه تنها از نظر دینی نقطه، عطفی در تاریخ بشر بشمار می‌رود بلکه حاصل پی‌آمدهای آن از نظر اجتماعی یکی از بزرگترین انقلابات و تحولات تاریخ معاصر ایران است. طوفانی که با ظهور دیانت بابی سراسر ایران را درهم نوردید و سازمان‌های پوسیده، اجتماعی ایران را از بیخ و بن لرزاند اگرچه با شهادت حضرت اعلی و کشتار بزرگ بابیان بظاهر آرام گرفت اما اثرات بزرگی از خود باقی گذارد که پایه و اساس دیگر نهضت‌های روشنفکری و ترقی خواهی در ایران گردید. این جنبش‌های روشنفکری بعدها با گسترش دیانت بهائی و آشنا شدن بهائیان، و طبعاً جامعه، اطراف آنان، با افکار پیشرو و تازه‌ای که در تعالیم این دیانت هست قوت یافت و سرانجام به جریانات بزرگ اجتماعی که کمابیش با آن آشنائی داریم از جمله انقلاب مشروطیت ایران منجر گردید.

متأسفانه نویسندگان ایرانی که تاریخ معاصر ایران و نهضت‌های روشنفکری کشور ما را در یکی دو قرن اخیر مورد بحث قرار داده‌اند از تأثیر و اهمیت ظهور حضرت اعلی و یا دیانت بهائی دانسته یا ندانسته حرفی میان نمی‌آورند،

جامعه بهائی و یا محققین غیر بهائی نمی باشد.

کتاب مطالع الانوار The Dawn-Breakers که حضرت ولی امرالله آن را بر اساس نوشته‌ها و احیانا اشعار نبیل زرنندی تدوین و ترجمه فرموده‌اند فقط نه سال اول تاریخ امر را در بر می‌گیرد، آن هم طبعاً شامل وقایع کلی و اساسی است و بسیاری از حوادث را فاقد می‌باشد. باید دانست که نبیل زرنندی یک مورخ به معنای کامل کلمه نبود، اصولاً در زمان او علم تاریخ بصورت امروزی وجود نداشت. در ایران آن زمان "وقایع نگار" داشتیم اما "مورخ" نداشتیم. نبیل به اهمیت ضبط و جمع آوری وقایع امری آگاهی داشت و آنطور که در مقدمه، کوتاه اوراقش نگاشته اگر خود از واقعه‌ای خبر نداشت از افرادی که از نزدیک شاهد وقایع بوده‌اند کمک می‌گرفت و با دقت شرح واقعه و نام راوی را نیز می‌نگاشت. همین آگاهی و دوربینی او کفایت که نام عزیزش را در تاریخ امر جاودان نماید. باید توجه داشت که حضرت ولی امرالله با دقتی که در انتخاب لغات معمول می‌فرمودند ترجمه آثار نبیل را "تاریخ" نام ننهادند بلکه "روایت" Narrative قلمداد فرموده‌اند. این نکته نه تنها از نام کتاب Nabil's Narrative پیداست بلکه حضرتشان در مقدمه، کتاب که صفحه اول آن اختصاص به شیوه بیان نبیل دارد همه جا همین موضوع را رعایت فرموده‌اند. همچنین باید توجه داشت که در این ترجمه حضرت ولی امرالله فقط به شرحی که نبیل از وقایع آورده اکتفا نفرموده‌اند بلکه جا بجا در پاورقی‌ها، مطالب را با نقل همان واقعه، تاریخی از منابع دیگر از جمله آثار نیکلا، گوینو، براون و یا نسخ خطی خاطرات بهائیان قدیمی که در اختیارشان بوده کامل فرموده و یا تفاوتی که با روایت نبیل

داشته نمایانده‌اند.

کتاب دیگری که به قلم معجزه‌گر حضرت ولی امرالله تحت عنوان God Passes By نگارش یافته و ما آن را در ترجمه فارسی به نام «کتاب قرن بدیع» می‌شناسیم یک اثر تاریخی به معنای اخص آن نیست بلکه شرح تحول امر مبارک از آغاز تا دوره میثاق است که در زمینه پایان قرن اول تاریخ بهائی، از طرف حضرتشان خطاب به احببای غرب شرف صدور یافته است. لحن حماسی کتاب و استخوان بندی و ساختمان آن هدف دیگری را دنبال می‌کند که همانا تأکید بر قدرت نفوذ و سریان امر الهی در عالم، با اشاره به وقایع تاریخی است. این کتاب گرانقدر بر مبنای نوعی فلسفه تاریخ، ارتباط امر را با ادیان دیگر و نقش این آئین را در تحقق ملکوت الهی بر روی زمین روشن می‌کند و تحول پویا و همواره پیشرو امر را از مرحله رسولی به عصر تکوین نمایانده و تداوم و توالی پیروزی و بحران را در تاریخ این دیانت به شیوایی بیان می‌دارد. در واقع همانطور که در مقدمه ترجمه فارسی کتاب قرن بدیع آمده این کتاب «نقل تاریخ نیست، درس عبرت از تاریخ و راهنمای مطالعه و درک هدف تاریخ است.» کتابی است در حد خود یکتا که قلم توانای حضرت ولی امرالله آن را به نسل کنونی و نسل‌های آینده بهائی هدیه فرموده است. اما به مقیاس و انتظاری که امروز از یک اثر تاریخی می‌رود نمی‌توان آن را کتاب تاریخ امر بهائی دانست.

از دیگر کتاب‌های تاریخی می‌توان به آثار ایادی عزیز امرالله جناب حسن بالیوزی اشاره کرد که مشتمل بر چند کتاب در شرح حال هیاکل مقدسه است. این آثار هر کدام دارای اطلاعات و روایات گرانبها از وقایع تاریخی است

کشورهای غربی کتابهای تاریخی در مدارس هر چند سال یکبار مورد بررسی و تجدید نظر قرار می‌گیرد زیرا دانش آموز باید تاریخ کشور خود را بطور زنده و فعال در حیات کنونی خود حاضر ببیند نه آنکه ارتباطش را با آن قطع کند و به یک روایت که صد یا دویست سال پیش نگاشته شده قانع گردد.

در آغاز این مقاله از تأثیر دیانت بهائی در تاریخ اجتماعی ایران سخن گفتم. آیا جز از یک مورخ بهائی می‌توان از کسی دیگر انتظار داشت که قدم بقدم تاریخ امر را از آغاز در رابطه با وقایع اجتماعی ایران در یکصد و پنجاه سال اخیر بررسی کند و نفوذ و رشد آن را بنمایاند؟ در سالهای اخیر کتابها و تحقیقات گوناگونی درباره وضع زنان در دوران قاجار و تاریخچه مبارزات زنان ایران برای گرفتن آزادی منتشر شده است. از خفقان زن ایرانی و نداشتن هیچ‌گونه حقی بحثها به میان آمده است. اما در هیچ‌کدام کوچکترین اشاره‌ای نشده که در همان هنگام در جامعه بهائی ایران بانوان از سواد، حق رأی، و حقوق مساوی با مردان بهره‌مند بودند. آیا جای آن نیست که این مسئله بطور علمی و بیطرفانه مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و کتابی جامع و کامل درین زمینه نشر شود؟

وقایع تاریخی که نبیل از آن بی‌خبر بوده است کم نیست. به این نکته خود او نیز اعتراف دارد. به پاره‌ای از این وقایع می‌توان در خاطراتی که احباء از خود به یادگار گذارده‌اند و برخی از آنها نیز به چاپ رسیده پی برد. به بخشی دیگر از این وقایع می‌توان با تحقیق و پی‌جوئی دقیق علمی دسترسی یافت. آیا باید به آنچه نبیل زرنندی در یادداشت‌هایش آورده خود را قانع نمائیم و از هزاران واقعه تاریخی و قهرمانان

و جا دارد که با ابراز امتنان از کوششهای ایشان در نشر این آثار یاد شود. اما این کتابها بازتاب تاریخ امر از آغاز تا امروز یا لااقل تا پایان دوره ولایت امرالله نیست بلکه دوره‌های خاصی را دربر می‌گیرد.

بنابر این محقق یا دانشجوئی که بخواهد در نگارش کتاب یا مقاله یا رساله‌ای از تاریخ امر نیز بهره برد، اگر به کتابهای بهائی تاریخی دسترسی داشته باشد باید خود دامن همت بر کمر زند و از اینجا و آنجا نکاتی بیابد و شخصاً ارزیابی و نتیجه‌گیری نماید. همت و وقتی که در این دوران کمتر یافت می‌شود.

سوی آن می‌دانیم تاریخ اگرچه زمان وقوعش در گذشته ایام است اما چیزی کهنه و قدیمی نیست که بخاطر کهنگی‌اش دیگر کسی سراغ آن نرود. وقایع تاریخی را هر ده بیست سال یکبار در آئینه زمان مجدداً می‌سنجند، آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند، درباره آنها کتابها می‌نگارند و از آن بهره‌ها می‌برند. نه تنها همواره اطلاعات تازه‌ای درباره وقایع گذشته بدست می‌آید بلکه این وقایع همواره در بعد زمان و با نگاه نو معنی و مفهوم تازه‌ای پیدا می‌کند. در پنجاه سالی که از پایان جنگ جهانی دوم گذشته هزاران کتاب درباره تاریخ آن جنگ نوشته شده است. آیا یک کتاب که شرح وقایع را به دقت و اصالت بنگارد کافی نبود؟ هنوز درباره امپراطوری روم قدیم و یونان کهن کتابهای تاریخی منتشر می‌شود زیرا شیوه تفکر دوران ما ایجاب می‌کند که حتی به تمدنهای کهن گذشته نیز با نگاهی مناسب زمان خویش بنگریم و بازتاب آن وقایع را در زندگانی امروزی خود و در تاریخ جاری دنیای خویش مطالعه نمائیم نه آنطور که اجداد ما می‌دیدند. در

گمشده‌ای که اندکی تحقیق می‌تواند جاودانشان کند بگذریم؟

امروزه در مجامع عمومی بین المللی اصول و مطالبی مورد بحث قرار می‌گیرد که یکصد سال پیش قلم اعلیٰ اجرای آن را به عالمیان وعده فرمود. آیا برای غیر بهائیان درک اهمیت و بزرگی آئین بهائی جز با مطالعه این اصول در زمینه و سابقه تاریخی خود میسر خواهد بود؟ تحقیق در تاریخ یکی هم اینست که بنمایاند هیاکل مقدسه تحت چه شرایطی و در چه زمینه‌ای تعالیم و بیاناتی که راهگشای صلح و سلام بر روی زمین است عرضه فرموده‌اند.

حضرت ولی امرالله با توجه به نیاز فراوان جامعه به آثار تاریخی، اوقات بسیاری صرف نگارش یا ترجمه اینگونه آثار فرمودند. جای آن دارد که برای پیگیری این بخش از توجهات آن مولای بی‌همتا، جامعه بهائی توجه و فعالیت وسیع‌تری در زمینه تحقیقات تاریخی مبذول دارد.

باید گفت در سالهای اخیر کتابها و مقالاتی به زبان انگلیسی درباره تاریخ امر منتشر شده است<sup>۳</sup> که حاوی اطلاعات و تحقیقات تاریخی می‌باشد. اما این کتابها هنوز نیازهای بزرگی که دانشجویان و محققین یا افراد عادی دارند برآورده نمی‌سازد. آنچه به زبان فارسی در دست است متأسفانه قلیل و انگشت شمار می‌باشد. چه بسیار غیر بهائیان ایرانی که قلباً مایل به آگاهی از تاریخ و سرگذشت امر الهی هستند اما کتابهایی که بتوان در اختیارشان گذارد یافت نمی‌شود.

باید آرزو نمود که دانشمندان ما، آنها که بضاعت علمیشان اجازه تحقیق در مسائل تاریخی می‌دهد، بجای نگارش و تحقیق در

موضوعهای تفتنی - هرچه هم که جالب باشد - با توجه به نیازهای حاد جامعه قدری هم به تاریخ امر رو آورند و آثاری که بسیاری از علاقمندان را بکار خواهد آمد بنگارند. تشویق جوانان بهائی به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی مثل تاریخ، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی ادیان، ایران‌شناسی، تحقیق در علوم اسلامی و غیره، به هدف تحقیق در تاریخ بهائی، از راهائی است که می‌تواند در سالهای آینده جامعه را از این تنگنا برهاند. در غیر این صورت میدان تحقیقات تاریخی آئین ما یکباره بدست غیر بهائیان سپرده خواهد شد.

#### یادداشت‌ها

۱- باید در نظر داشت آنچه ما بفارسی به نام مطالع الانوار داریم ترجمه خلاصه‌ای از متن انگلیسی کتاب است که به انتخاب مترجم، جناب اشراق خاوری فراهم آمده و پاورقی‌ها را نیز فاقد است. حال که قریب نیم قرن از ترجمه خلاصه کتاب گذشته باید آرزو کرد صاحب همتی دست به ترجمه تمامی این اثر نفیس به فارسی بزند.

۲- آثار مهم تاریخی جناب بالیوزی عبارتست از: سه جلد تاریخ حیات هیاکل مقدسه، کتابی در سرگذشت شخصیت‌های بزرگ بهائی در قرن اول و بهاءالله شمس حقیقت. فقط کتاب اخیر به فارسی ترجمه شده است.

۳- از جمله رستاخیز و تجدید اثر دکتر عباس امانت که در این مجله معرفی شده است. نگاه کنید به پیام بهائی شماره ۱۷۴ و نیز پنج کتاب مجموعه مقالات گوناگون در تاریخ امر به همت دکتر موژان مؤمن. برای فهرست این کتابها و سایر تحقیقات مستشرقین درباره امر رجوع کنید به مقاله دکتر فریدون وهمن: "شرق‌شناسان و دیانت بهائی" در خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر، جلد پنجم، صص ۱۷۴-۱۲۷.



از خاطرات گذشته

## خواب عجیب

شفیقه فتح اعظم

از شیرین‌ترین خاطراتم یکی هم اقامت ما در نوجوانی در شهسوار و داستان‌های دلپذیری است که سال‌ها پیش در آنجا از يك بهائی ارمنی نژاد شنیدم.

سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم بود و خانواده ما برای شرکت در نقشه ۴۵ ماهه بهائیان ایران به شهسوار مهاجرت کرده بود. در این نقطه مهاجرتی با چند خانواده دیگر بهائی آشنا شدیم و اغلب شب‌ها دور هم جمع بودیم. اگر مبتدی بین ما نبود بزرگترها از خاطرات خود و یا طرز ایمان خویش تعریف می‌کردند و برای ما که آن موقع نوجوانی بودیم این داستان‌ها بسیار دلکش و زیبا بود.

از جمله بهائیان شهسوار جناب باروئیر ماسیمیان بود که با همسر خود قدسیه خانم (جلیل) و فرزند دو سه ساله و بسیار شیرینشان بنام مارتا به جمع ما لطف و زیبایی خاصی می‌بخشیدند مخصوصاً وقتی که جناب ماسیمیان با آن لهجه زیبا شرح تصدیق خود را بیان می‌کرد و یا از سرگذشت زندگانی خود می‌گفت. از جمله خاطرات ایشان که به تقاضای ما بارها و بارها بیان کرد یکی هم داستان زیر است که هنوز پس از سال‌ها در خاطر من نقش بسته و حالا از زبان او برای خوانندگان عزیز پیام بهائی نقل

می‌کنم. می‌گفت:

«سال‌ها پیش که تازه بهائی شده بودم بخاطر دانستن زبان انگلیسی مرا در سفارت امریکا استخدام کردند و کارم رانندگی بود. روزهای تعطیل معمولاً جمعی از بلندپایگان سفارت با یار و بنه و غذا عازم شکار می‌شدند و غروب به شهر برمی‌گشتند. طبعاً من آنها را به مناطقی که می‌خواستند می‌بردم. اما آنچنان مجذوب آیات و کلمات امری بودم که همیشه يك جلد کتاب امری در ماشین داشتم و از هر فرصتی برای مطالعه استفاده می‌نمودم.

يك روز جمعه مثل معمول به طرف جاده چالوس رفتیم. در آن زمان در آن منطقه راه و تونل می‌ساختند و در جایی از جاده تعداد زیادی کارگر و عمه بکار مشغول بودند. یکی از کسانی که با منطقه آشنا بود گفت همین جا توقف کنیم زیرا در ارتفاعات بالا شکار فراوان است. من ماشین را در کناری متوقف ساختم و شکارچیان با تفنگ و کوله‌بار آماده رفتن شدند. در این میان چشمم به مردی ژنده پوش و فقیر که گمان می‌رفت از کارگران راه باشد افتاد که در ارتفاعی روی تلی خاک نشسته بود و با دیدن ماشین از جای خود برخاست و به ما خیره شد. همراهان به من گفتند بیا برویم. اما من که تشنه

خواندن کتاب امری بودم عذر خواستم و گفتم من در ماشین مطالعه می‌کنم زیرا به این مرد که ما را می‌پاید مشکوکم و می‌ترسم دستبردی به ماشین ما بزند.

پس از رفتن شکارچیان مشغول مطالعه کتاب شدم اما زیر چشم، مرد فقیر را می‌پائیدم. وقتی مرد دور شدن همراهان مرا دید به آستگی از بالای تپه پائین آمد و با کمال حیرت دیدم که به طرف ماشین من می‌آمد. من پشت رل نشسته بودم و شیشه اتوموبیل را بخاطر گرما پائین کشیده بودم. اول به روی خود نیاوردم و به خواندن کتاب پرداختم اما حواسم جمع نبود و باز زیر چشمی او را نگاه می‌کردم. تا آنکه ناگهان دیدم کنار پنجره ماشین، نزدیک من ایستاده است. ابتدا با قیافه عبوس به او نگاه کردم بلکه راهش را بکشد و برود اما وی بدون توجه به نگاه من پرسید: «آقا، این چه کتابی است که می‌خوانی؟» دیگر کاسه صبرم لبریز شد و با تندی و پرخاش به او گفتم: «به تو چه که من چه کتابی می‌خوانم. گیرم من اسم کتاب را به تو بگویم، آخر تو چه می‌فهمی؟ این کتاب ایقان است.» هنوز حرفم تمام نشده بود که مرد با صدای بلند گفت «الله ابهی، شما باید بهائی باشی» و بعد ادامه داد: «من کارگر راهسازی هستم. چهار ماه است از دهکده و اهل و دیارم دورم و برای دیدن یک بهائی و شنیدن یک مناجات دلم بی‌نهایت تنگ است. دیشب در همین افکار به خواب رفتم. در خواب حضرت عبدالبهاء را زیارت کردم. فرمودند فردا صبح برو بالای فلان تپه، ما به دیدن تو خواهیم آمد. امروز که جمعه است و من کاری ندارم از صبح سحر روی این تپه نشسته‌ام و چشم انتظارم. ماشین شما که اینجا نگه داشت امیدوار شدم.

کم کم آمدم جلو بلکه تعبیر خوابم را ببینم." از شنیدن این داستان نفهمیدم خودم را چگونه از ماشین بیرون انداختم. پریدم و او را محکم در بغل گرفتم. همدیگر را بوسیدیم و هر دو مثل ابر بهار اشک می‌ریختیم. اشک شوق و خوشحالی. گفتم بیا بنشینیم، من از اخبار و بشارات امری برایت بگویم. ناهار مختصری داشتیم. سفره را پهن کردم، ترموس چای و ساندویچ را در میان گذاردم. مناجات خواندیم و همانجا ضیافت گرفتیم و به گفتگو پرداختیم. دیگر نفهمیدم زمان چگونه گذشت. غروب همراهانم رسیدند و با تعجب نگاهی به من انداختند. گفتند این همان کسی است که به او مشکوک بودی، چه شد که اینطور برادروار با هم سر یک سفره نشستاید؟»

\*\*

با آنکه سالها از زمان آن داستان گذشته بود هر وقت جناب ماسیمیان آن را به خواهرش ما بازگو می‌کرد سیل اشک از دیدگانش روان می‌شد. من نیز هرگاه به یاد آن داستان می‌افتم قیافه روحانی او را پیش چشم دارم. چه بسا که آن ارواح پاک پس از زحمات این عالم خاک به سیر روحانی در عالم بقا مشغول‌اند و از جام لقا سرمست. روحشان شاد باد.

پنجمین شماره مجله در سال ۱۹۹۵ اینک در دست شماست. از خوانندگانی که هنوز حق اشتراك خود را نپرداخته‌اند تقاضا داریم بخاطر کمک به مشکلات مالی ما هرچه زودتر این مبلغ را به شرحی که در صفحه ۴۷ آمده ارسال فرمایند.

معرفی  
آئین

دکتر هوش

آئین صابین  
تألیف روح  
۱۵۱ بدیع -  
مؤسسه مع

کمتر  
ادیان آشن  
از آن جمله  
حضرت و نبی  
شده و حتی  
معرفی گرد  
در قرآن  
سوره، م  
سخن به م  
آمنوا و آئین  
آمن بالله و  
علیهم و لا  
یعنی آنهائی  
یا صابین  
و روز آخر  
برای آنان ت  
در نوشت  
به بعد از  
جمله‌اند ش  
النحل» و م  
ابوریحان بی

# معرفی کتاب آئین صابئین

دکتر هوشنگ رأفت

آئین صابئین

تألیف روح الله مهرباخانی

۱۵۱ بدیع - ۱۹۹۴ میلادی - ۲۱۰ صفحه

مؤسسه معارف بهائی (دانداس - کانادا)

کمتر کسی است که با آثار امری و تاریخ ادیان آشنا باشد و نام صابئین را نشنیده باشد. از آن جمله در آثار قلم اعلیٰ و توابع صادره از حضرت ولی امرالله در چند محل ذکر صابئین شده و حتی به عنوان یکی از ادیان نه‌گانه عالم معرفی گردیده است.

در قرآن مجید نیز در سه موضع منجمله در سوره مائده و سوره حج از آن قوم و آئین سخن به میان آمده است. منجمله «ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئون و النصاری من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (سوره مائده آیه ۶۹) یعنی آنهایی که ایمان آوردند و آنهایی که یهودی یا صابئین و یا مسیحی هستند، آنان که به خدا و روز آخر ایمان داشتند و به صلاح عمل نمایند برای آنان ترسی نبوده و نباید محزون شوند.

در نوشته‌های مورخین اسلامی از قرن چهارم به بعد از صابئین نام برده شده که از آن جمله‌اند شهرستانی صاحب کتاب «الملل و النحل» و مسعودی مؤلف «مروج الذهب» و ابوریحان بیرونی نویسنده کتاب «آثار الباقیه

عن القرون الخالیه».

و بالاخره مورخین و محققین غربی و شرقی در قرون اخیر با روش علمی در پی حل مشکل و معمای تعیین هویت قوم صابئین افتاده و تحقیقات ژرفی در این باره نموده‌اند. بعضی از آنها حتی رنج سفر به شرق را کشیدند و سالها در مناطقی که مسکن قوم مزبور بوده توطن اختیار نمودند. از آن جمله پیترمان Petermann آلمانی است که خاطرات سفرش در بین النهرین را به نام «اسفار» Travels در سال ۱۸۶۰ نگاشت و در آن، زندگی و اعتقادات صابئین ساکن آن دیار را تشریح نمود و هکذا نایب قونسول فرانسه در موصل م. سیوفی M. Siouffi نیز کتابی درباره مراسم مذهبی و عقائد صابئین ماندائی Mandaens در سال ۱۸۸۰ منتشر نمود. از معاصرین شرقی نیز کسانی چون سید عبدالرزاق حسینی در بغداد و سید حسن تقی‌زاده در ایران مقالات و کتبی درباره آنان نگاشته‌اند. سالها قبل در مجله آهنگ بدیع نیز مقاله‌ای از نویسنده محقق جناب نصرت الله محمد حسینی در پیرامون صابئین منتشر شد و اخیراً آقای مشری مندوی ساکن اکوادور هم شرحی نگاشته و از قرار معلوم، سالها قبل کتاب لیدی دراور انگلیسی در مورد ماندائی‌ها در ایران و عراق را به فارسی برگردانده‌اند که گویا نسخه‌ای از آن به

مرکز جهانی ارسال شده است. (پیام بهائی شماره ۱۸۰ ص ۴۵).

برای روشن کردن زوایای تاریک تاریخ و عقائد صابئین ضرورت کتابی جامع و مستند احساس می‌شد. خوشبختانه نویسنده فاضل و محقق ارجمند بهائی جناب روح‌الله مهرباخانی که خوانندگان با آثار پُر ارزش تحقیقی ایشان آشنایند پس از سالها پژوهش و تفحص و مطالعه، دهها منابع و مأخذ شرقی و غربی قدیم و جدید اخیراً کتابی تحت عنوان «آئین صابئین» نگاشته‌اند که حاصل تحقیقات وسیع ایشان است و توسط مؤسسه انتشارات امری به لسان فارسی در کانادا منتشر شده است.

مشارالیه ضمن پژوهش خویش به این حقیقت برخوردند که صابئین تنها یک گروه واحد نیستند بلکه دو یا سه دسته‌اند. یک فرقه به صابئین حرّان (به واسطه انتساب به شهر حرّان سوریه) نامیده شده‌اند و دیگری به اسم مندائی یا مندآن‌ها که اسامی دیگرشان صبه، مغتسله و نصورای است و همان گروهی می‌باشند که امروزه در حوالی جنوب عراق و خوزستان ایران اقامت دارند.

مؤلف ارجمند به قول خویش «سعی نموده که تاریخ این گروه‌ها و عقائد و آراء و مراسم مذهبی آنها را روشن نماید تا شاید به همراه خواننده، این اوراق در آخر کتاب بتوانیم پرده از این معما برداریم یعنی نه تنها صابئین قرآن را بشناسیم بلکه حلّ مشکل تازه‌ای که برای مورّخین بهائی رُخ نموده بنمائیم چه که در این امر جدید صابئین یکی از ادیان تسعه، دنیا معرفی شده‌اند.»

در این مورد جناب مهرباخانی ناظر به این بیان حضرت ولی‌امرالله بوده‌اند که در ضمن

توقیعی فرموده‌اند:

«نه دیانتی که در نامه خود بدان اشاره کرده‌اید شامل دیانت بابی و بهائی نیز می‌باشد. پیغمبرانی که در این سلسله انبیاء ظاهر شده‌اند عبارتند از زردشت - کریشنا - موسی - محمد - بودا - پیغمبر صابئین که نامش ثبت نشده، باب و بهاء‌الله» (ترجمه).

مسأله پیغمبر یا بنیانگذار آئین صابئین نیز درخور توجه و شایان تحقیق است چه که حضرت بهاء‌الله در مورد حکمت ظهور امر بهائی پس از گذشت مدتی کوتاه از شریعت بابی اشاره‌ای لطیف به نمونه مشابه تاریخی یعنی ظهور حضرت مسیح و یحیی تعمید دهنده که به قولی مؤسس صابئین است فرموده‌اند: «مثل این ظهور و نقطه بیان، به عینه مثل ظهور ابن ذکریا و عیسی بن مریم است... چنانچه بعد از شهادت ابن ذکریا بعضی از متابعان او به مظهر رحمن یعنی عیسی بن مریم توجه نمودند و از شریعه احدیه خارج شدند و حال هم در ارض موجودند و به صابئین نزد بعضی معروف و این نفوس خود را امت آن حضرت می‌دانند و لکن از مقصود محجوب مانده‌اند.»

شرح و بیان محتویات این کتاب نفیس که با دقت و موشکافی و رجوع به مصادر و منابع قابل اعتماد دانشمندان شرق و غرب، تاریخ و تعالیم و منشأ صابئین را بررسی نموده در این مختصر نمی‌گنجد. کافی است که خاطر نشان شود که در خاتمه کتاب نام ۲۱ مأخذ فارسی - عربی (امری) و غیر امری) و ۲۲ منبع غربی (انگلیسی - آلمانی - فرانسوی) آمده است که پژوهندگان کنجکاو با رجوع به آنها به میزان اطلاع و معرفت خود خواهند افزود.

خوانندگان بهائی در طی ۴۰-۵۰ سال اخیر

## آشنائی با يك هنرمند



آنان که در سالهای اخیر در جلسات انجمن ادب و هنر اروپا در لندن حضور می‌یابند جزو نمایشگاه‌های هنری که در آنجا برپا می‌شود از نمایشگاه گل‌آرائی که خانم طاهره، لوئی ترتیب می‌دهند نیز لذت فراوان می‌برند. این هنرمند با ترتیب دادن گل‌ها و گیاهان خشک روی يك قطعه کاغذ، به شکل تابلوی نقاشی، در واقع يك دسته گل زیبا و ناپژمردنی خلق می‌نماید. در شرح حال مختصری که به خواهش این مجله فرستاده‌اند خانم لوئی می‌نویسند: «همیشه عاشق هنر، مخصوصاً نقاشی بودم. پس از پایان تحصیلات متوسطه به تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای تهران پرداختم اما متأسفانه موفق به پایان تحصیلاتم نشدم. از آنجا که به زیبایی‌های طبیعت عشق می‌ورزیدم از پژمردن گل‌ها و بدور انداختن آنها متأثر می‌گردیدم. کم‌کم این گل‌های زیبا را لابلای کتابها خشک کردم و وقتی تعداد زیادی از آنها جمع شد به فکر افتادم آنها را کنار هم قرار داده و بصورت تابلویی درآورم تا عمر کوتاه آنها را به این وسیله طولانی و جاودان کنم. ساختن این تابلوها مرا بیشتر تشویق به کار کرد و از آن پس در ایران و اروپا نمایشگاه‌هایی داشتم که برخی از آنها برای کمک به صندوق امر بوده است.» خانم لوئی در دوره‌های لندن برای تعلیم این هنر به علاقمندان کلاس گل‌آرائی دارند.

با مقالات و کتب محقق گرامی جناب مهرباخانی که در صفحات مجلات امری فارسی خصوصاً آهنگ بدیع و پیام بهائی منتشر شده و بخصوص کتاب جاودان تاریخ حیات جناب ابوالفضائل گلپایگانی آشنا بوده و از آثار پُرمغز این نویسنده، پرکار حظ وافر برده‌اند.

انتشار این اثر جدید جناب مهرباخانی بدون شك با استقبال یاران نکتمسج ایرانی مواجه خواهد شد و خواننده با مطالعه آن با يك آئین ناشناخته و گمنام تا حدی که مدارك موجود اجازه می‌دهد آشنا خواهد شد و این آشنائی در امر تبلیغ و اثبات وحدت اساس ادیان که از مبادی روحانی امر بهائی است کمک بسیار خواهد کرد.

سبک نگارش این کتاب مانند همه آثار جناب مهرباخانی ساده و روان و خالی از حشو و زوائد است و بر خلاف اکثر آثار تحقیقی «آکادمیک» که خواندن آن ملال‌آور است شیوه نگارش کتاب به نحوی است که مطالعه آن آسان و لذت‌بخش است.

نویسنده گرامی این کتاب دهها سال است که به کشور اسپانیا هجرت کرده و سالهای متمادی در تشکیلات امری منجمله محفل ملی اسپانیا به خدمت مشغول بوده و در عین حال کتب متعددی به زبان اسپانیولی جهت تزئید معلومات یاران آن سامان تألیف فرموده‌اند که فوق‌العاده مورد استفاده بهائیان اسپانیولی زبان است. در انتظار انتشار سائر مقالات علمی و تاریخی جناب مهرباخانی بوده و سپاسگزار همت و آثار پُرقیمت ادبی ایشانیم که بر گنجینه معارف امری به زبان فارسی ارمغان داشته‌اند.

## در شکوه و شگفتی‌های میعاد (۸)

مهندس سیمین شکوهی (شیبانی)

ملاً حسین بشروئی که او را در سفر روحانی‌اش برای یافتن موعود همراهی می‌کنیم اینک به شیراز، این شهر جادویی و افسانه‌ای رسیده...

می‌انداخت:

مگر تو شانه زدی زلف عنبر افشان را؟  
که باد غالی‌سا گشت و خاک عنبر بوست؟  
نثار روی تو هر برگ گل که در چمن است  
فدای قد تو هر سرو بن که بر لب جوست  
دست‌های خود را در آب فرو برد تا از  
خنکای آن لذت برد. از دیدن زیبایی آن گل‌های  
عطرآگین شاداب و تازه شکفته و سیراب  
احساس نشاط و مسرتی پنهانی در خود می‌کرد  
اما نغمه، مرغان خوش الحان بر شاخساران  
همچون نواهی آسمانی او را در اندیشه،  
خستگی‌های جسمش و افسردگی‌های جانش فرو  
برد و غمها و دردهایش را به خاطرش آورد و در  
خلوت نهانش از خود می‌پرسید:

ندانم نوحه، قمری به طرف جویباران چیست؟  
مگر او نیز همچون من غمی دارد شبانروزی  
و باز اندرون خسته‌اش به فغان می‌آمد:

در اندرون من خسته دل ندانم کیست؟  
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست  
از آنجا که او نشسته بود و از آن بلندای  
نمای شهر خیره شد. کوه‌های ارغوانی با شب  
کلاهی از برف سپید از اطراف، شیراز را در بر  
گرفته و سروهای ناز که با سبزه، تیره رنگ از  
حصار باغ‌ها سر برون آورده بودند و گنبدی‌های

کمی راه رفت و دوباره به نهر آبی دیگر  
رسید. به روی زمین نشست و بر درخت بزرگ  
و تنومندی که سر به آسمان کشیده و شاخه‌های  
پر برگش چون چتری گسترده سایه بر زمین و  
جویبار افکنده بود تکیه زد و به فکر فرو رفت.  
مقیم بر سر راهش نشستام چون گرد  
بدان هوس که بدین رهگذار باز آید  
اگر نه در خم چوگان او رود سر من  
ز سر چه گویم و سر خود چه کار باز آید  
به پیش خیل خیالش کشیدم ابلق چشم  
بدان امید که آن شهسوار باز آید  
بهار یکی از روزهای اوایل خرداد بود.  
بالاسرش آسمان شفاف لاجوردی و خیالانگیز و  
اطرافش دشت و بیابانی دلانگیز و در مقابلش  
دورنمایی از شهر جادویی و افسانه‌ای شیراز،  
پیچیده در باغ‌ها و بوستان‌های رنگارنگ قرار  
داشت. شهری که آب رکن آبادش به خوشگواری  
آب زندگانی بود و طراوت باغ‌هایش سمرقند را  
خجلت زده می‌کرد. در خاطر مرد غوغائی بود و  
دلش از شدت اشتیاق در سینه‌اش جا نمی‌گرفت.  
کوه و دشت و آب و آسمان سر به گوشش  
گذاشته و از دلبر جانان و مهر تابانش با او  
سخن‌ها می‌گفتند. بوی عطر دلاویزی که در فضا  
موج می‌زد او را بیشتر به یاد دلدارش

فیروزه فام مساجد با گلدسته‌های بلند و کشیده در لابلای درختان کهنسال چنار از دور چشم‌اندازی زیبا می‌آفریدند و ارغوان‌ها با رنگ‌های زیبای خود آن را رنگ آمیزی سحرآمیزی نموده بودند و به آن جلوه و نمائی بهشتی می‌بخشیدند. مرد بی‌اختیار گفت «الله اکبر، الله اکبر» و همزیان با خواجه شیراز خواند:

خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش  
خداوندا نگهدار از زوالش  
ز رکن‌آباد ما صد لوحش الله  
که عمر خضر می‌بخشد زلالش  
میان جعفر آباد و مصلی  
عبیرآمیز می‌آید شمالش  
به شیراز آی و «فیض روح قدسی»  
بجوی از مردم صاحب کمالش  
دستها را با تمنا و زاری به سوی آسمان بلند  
کرد. مهربان پروردگارا مددی کن تا بتوانم  
آنطور که خواجه وعده کرده است «فیض روح  
قدسی» را در شیراز بیابم. و بعد پنداری که با  
خود سخن می‌گوید ادامه داد:

همی رویم به شیراز با عنایت دوست  
زهی رفیق که بختم بهمراهی آرد  
باد بهاری گیسوان سبزه را در هم می‌ریخت  
و عطر گل‌ها را به یغما می‌برد و در فضا پراکنده  
می‌ساخت. جویبار مثل جریان از تفره، ناب زیر  
نور آفتاب می‌درخشید. هوا و فضا از بوی خوش  
عشق لبریز بود. مرد اندک اندک در دریای  
بیکران رؤیاهای خواب گونه‌اش و تخیلات دور و  
درازش مستغرق شد. در عالم خیال سیمای  
کریشنا را می‌دید که در حماسه جاودان و  
منظومه فلسفی و مذهبی هند خطاب به پیروانش  
می‌گفت:

به این واپسین پیام من گوش فرا دار.  
سخن مرا به گوش جان بپذیر.  
قلبت را به من بده.

مرا پرستش کن.  
به ایمان من بیاویز.  
دوستم بدار و در حق من حرمت کن.  
و اگر چنین پیش من آیی، ترا وعده «وصل»  
می‌دهم.  
بسویم پرواز کن.  
و مرا تنها پناهگاه خویش ساز.  
و من روان ترا از همه، گناهان رهائی خواهم  
بخشود.  
و به تو شادی جاودان خواهم داد.  
یکایک این واژه‌ها را در خاطر بارها و بارها  
تکرار کرد و با احوال خویش مقایسه نمود و  
چنین نتیجه گرفت که:

او نیز قلبش را به محبوب خود داده و در  
انتظار و چشم به راه اوست تا پیام‌های او را به  
گوش جان بپذیرد و سر و دستار بر قدمش  
ریزد. به او ایمان بیاورد و حرمت او را نگاه  
دارد. او را پرستد و ستایش کند و پناهگاه  
خود سازد و عاشقانه دوستش بدارد و بال و پر  
گشوده و به سویش پرواز نماید. آیا پس از انجام  
همه این اوامر، او نیز به «وصل جانان» خواهد  
رسید و به شادی جاودان دست خواهد یافت؟

گهگاه به خود می‌آمد و با شگفتی، خیره  
خیره به پیرامونش می‌نگریست. وزش نسیم  
روح‌پروری که از ذرات خاک شیراز عطر دلاویز  
عشق را به همراه می‌آورد و طراوت و لطافت  
دشتهای اطراف، گردش ابرها و زیبایی گل‌های  
وحشی، و صافی و روانی جویباری که از کنارش  
می‌گذشت و دورنمای خیال‌انگیز و افسون کننده،  
شهر شیراز شیرینی وصال معشوق را بر او عرضه  
می‌کردند و پیامی رازگونه به او می‌رساندند.  
نگاهی به قطره‌های شفاف شبنم که درون جام  
لاله‌های سرخ رنگ داغدار چون پولک‌های سیمین  
می‌درخشیدند انداخت و به حافظ آفرین گفت که  
چنین زیبا وصف حال را بیان نموده است:

خوشه‌چینی از خرمن فضائل علماء و دانشمندان بود در میان انبوه آموخته‌هایش به یاد کلام حکیمانه، یکی از عرفا افتاد:

«در بارگاه الهی جانی باید با سوز عشق ساخته، نه زبانی به علم فصاحت و بلاغت افروخته. جان با سوز دیگر است و زبان فصاحت آموز دیگر.»\* مرد مضطرب و پریشان با خود حساب کرد که او مثل هر سالکی در سیر و سلوک در طی تمام مراحل تحقیق و طلب و جستجوی دلدار با همه اخلاص، ارادت، عشق، صفا، ایثار، تسلیم، استغراق و ایمان گام برداشته است و به هوای وصل معشوق، از خود و هر دو عالم فارغ گشته و حیات و بقایش را وابسته به قبول یا رد محبوبش دانسته و از آنچه غیر او بوده سر برداشته. اما باز وحشت داشت تا مبادا دل گرفتارش در بادیه‌های انفصال سرگردان ماند و لب تشنه‌اش از زلال وصال چشمه حیات بی‌بهره. آهی سوزان به یاد نگار از میان جاننش برآمد:

الهی سینه‌ای ده آتش افروز  
در آن سینه دلی و آن دل همه سوز  
هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست  
دل افسرده خود جز آب و گل نیست  
دلم پر شعله گردان، سینه پر دود  
زبانم کن به گفتن آتش آلود  
کرامت کن درونی درد پر درد  
دلی در وی، درون درد و بیرون درد  
نرم نرمک دلهره سرگردانی به سراغ مرد  
می‌آمد. میل مفرط و عطش دسترسی به حقیقت و غم بی‌خبری چون کوهی به روی روح او افتاده که زیر سنگینی و تیرگی آن حال خود را نمی‌فهمید و احساس خفقان می‌کرد. رهرو عاشقی بود که با سکون و رکود سر و کاری نداشت و همین بی‌قراری‌ها او را به لقاء معشوق سوق می‌داد تا به مقصود نایل آید و به مقصد اصلی رسد.

ادامه دارد

هوا مسیح نفس گشت و باد نافه گشای  
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد  
تنور لاله چنان بر فروخت باد بهار  
که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد  
ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد  
چه گوش کرد که با ده زبان خموش آمد  
باز هم غم گرانباری به سراغش آمد و جاننش در  
آرزوی یافتن معبود سوخت. طپش قلب خود را  
می‌شنید. خستگی و ناشکیبائی او برای یافتن  
نشانی از گمشده‌اش مرد را به جذبه‌ای کشانده  
بود که دیگر قادر نبود جلوی احساسات خود را  
بگیرد. در کالبدش شور و هیجانی بی‌سابقه موج  
می‌زد و در آن دقایق، در دامان آن بیشه‌زار چنان  
عشق بر دلش خیمه زده بود که از خود غافل  
گشته و در حالی که از یاد رفته در آن گوشه،  
خلوت نشسته، اما در جهانی دور و در نقطه‌ای  
خارج از خاکدان زمینی سیر می‌کرد، شیفته،  
رهیابی به درون مجهولات و یافتن پاسخی برای  
حل این معمای جهان آفرینش به هر سو  
می‌نگریست ولی جز اسرار نمی‌دید. مشتاق بود  
تا پرده از روی این راز پنهان پس زند و گوهر  
حقیقت را بیابد. پرنده فکرش به هر طرف بال  
و پر می‌کشید اما چنان توانی نداشت تا به  
ژرفای بیکران راز هستی به پرواز آید و از  
فراسوی فهم و ادراک بشریش چیزی ناشنیده باز  
آرد. عاجزانه و درمانده می‌اندیشید تا چند  
بپرسد و پاسخی نشنود؟ تا کی در پس کشف  
اسرار ناگشوده و یافتن موعود معهود،  
سرزمین‌های ناآشنا را بکاود و ناامید شود؟ پس  
چاره، رهایی و درمان درد بی‌خبری او چیست؟  
آیا آن همه دانشی را که در مکتب آگاه‌ترین  
علمای اسلامی و سید کاظم رشتی آموخته و به  
تمام علوم دینی زمانه‌اش احاطه یافته در این  
راه‌گشائی راهنمایش نخواهد بود؟ زیر لب نالید:  
«آه که سودی نکرد دانش بسیار من.» او که

\* جواهر الاسرار



چگونه می‌توان در حالی که مثل اعلای امر مبارک، با وجود سالها اقامت در غربت و نیز تحمل جفا و ظلم بسیاری از هموطنان خویش، راضی به ترك عادات جزئیة ایرانی نشد اساسی‌ترین نشانه ایرانی بودن را کم اهمیت شمرد و یا خدای ناخواسته بالمره فراموش کرد؟ چه عاملی مهم‌تر و اساسی‌تر از زبان ملی، گویای فرهنگ و عادات و سنن يك ملت است؟ برای ما ایرانیان نیز چه نشانه‌ای گویاتر و بنیادی‌تر از تکلم و مکاتبه به زبان فارسی و سعی در دوام و اعتلای این زبان لطیف در کانون خانواده‌مان، جلوه‌دهنده عشق ما به ایران و فرهنگ و عادات ایرانی است؟ عشقی که به تعبیر حضرت عبدالبهاء نوعی «پرستش» است.

از سوی دیگر نزول آیات الهیه در این ظهور اعظم به زبان فارسی و عربی، وجوب تحصیل این دو لسان را برای درک دقیق و صحیح آثار مبارکه و جلوگیری از سوء تعبیر و برداشت‌های ضد و نقیض از امر بدیع، واجب نموده است. این واقعیت سبب شده بسیاری از متحریان حقیقت و مؤمنین امر مبارک از سایر ملل و ممالک عالم که خواسته‌اند آب حیات را از سرچشمه بنوشند و شراب آیات را از خمخانه کلمات نزولی بچشند رنج تحصیل این دو لسان را بر خود هموار کنند. حال چقدر جای حسرت و افسوس است اگر احبائی که زبان مادری ایشان فارسی است، قدر این موهبت خدا داده را ندانسته، اجازه دهند اقامت در سایر ممالک و رفع حواجی روزمره و غالباً مادی زندگی به وسیله زبان‌های خارجی، از ارزش این گنج بی‌رنج در منظر ایشان بکاهد.

پس سزاوار چنان است که زبان فارسی در کانون خانواده‌های بهائی ایرانی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و با اتخاذ روش‌هایی که برای کسب مهارت و تسلط در کاربرد هر زبانی لازم است اسبابی فراهم نمود که هموطنان اسم اعظم، خود را از آوندهای درخت پربار فرهنگ ایرانی جدا نکنند و از میوه‌های شیرین و آبدار ادبیات فارسی کام جان را شیرین نمایند و در نهایت، کمال فیض را از آیات الهی به زبان نزولی برگیرند.

می‌شود:

درباره آموختن زبان فارسی

ظهور امر مبارک بسیاری از مفاهیم متداول در جامعه بشری را دگرگون کرد، بعضی را به کلی مطرود و مذموم داشت و بعضی دیگر را ضمن تأیید، روحی تازه بخشید و مفهومی خوش‌تر عطاء فرمود.

از جمله مفاهیمی که مطرود و متروک گردید تعصبات از هر نوع بود، تعصباتی که غالباً نه تنها در چشم خلایق مذموم نبود بلکه مدار افتخار صاحبان آن شمرده می‌شد. فی المثل تعصب وطنی به غیرت و حمیت داشتن نسبت به وطن تعبیر گشته و می‌شود و در حال حاضر نیز شعار بسیاری از روشنفکران جهان است.

امر مبارک در عین طرد مفاهیم منفی، کلیه مفاهیم مثبت را تأیید و روحی بدیع عنایت فرموده، چنانکه وطن دوستی معقول و متعادل را به عنوان جلوه‌ای از صفت دلکش «وفا» تأیید و برایش تعریف و توجیهی بی‌سابقه ارائه نموده که توضیح بیشتر در این زمینه برای احبای آشنا به معارف بهائی موردی ندارد.

برای احبای ایرانی، وطن دوستی علاوه بر آنچه ذکر شد رنگی دیگر دارد. برای ایشان ایران دوستی تنها تعلق داشتن به زادگاه و خصوصیات این سرزمین باستانی نیست. به بیانی دیگر مهر وطن برای بهائی ایرانی تنها این جهانی نیست بلکه نشان از عشق به محبوب بی‌نشان دارد. برای آنها ردای هموطنی جمال مبارک و حضرت ربّ اعلیٰ خلعتی است که با هیچ جامه فاخر دیگری قابل قیاس نیست. مثل اعلای دیانت مقدس بهائی این حقیقت را چه لطیف بیان فرموده‌اند، قوله الاحلی: «حضرت بهاء‌الله و حضرت باب هر دو ایرانی بودند و بیست هزار، سی هزار ایرانی در این سبیل جانفشانی نمودند و من نیز ایرانی هستم، حتی با وجود اینکه شصت سال است از ایران خارج شده‌ام، هنوز راضی به آن نکشتم که عادات جزئیة ایرانی ترك شود. بهائیان ایران را می‌پرستند، نه همین حرف می‌زنند، شما نظر به عمل کنید.» (جزوه لغت فصیح و لغت نورا ص ۲)

# اخبار و بشارات جهان بهائی

## ترجمه و تنظیم فؤاد روستائی

### استرالیا: موفقیت کنفرانس‌های احبای ایرانی

بر اساس گزارش رسیده به ساحت رفیع بیت العدل اعظم يك رشته کنفرانس‌هایی که اخیراً با شرکت احبای ایرانی در شهرهای مختلف استرالیا برگزار شده است با موفقیت چشمگیری روبرو گشته و احبای الهی را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک ساخته است. در گردهمایی احبای ایرانی در شهر گلد کوست Gold Coast سیصد نفر و در گردهمایی شهرهای سیدنی و ملبورن بیش از چهارصد تن از احبای الهی و بالاخره در شهر ادلاید Adelaide در حدود هفتصد تن از بهائیان ایرانی گردهم آمدند.

در این گردهمایی‌ها جناب سیروس نراقی یکی از اعضای هیئت مشاورین قاره‌ای در مورد بهائیان ایران و اهمیت این سرزمین مقدس سخنرانی کردند و تنی چند از بستگان شهدای امر الهی نیز به پشت تریبون رفته و مطالبی را ایراد نمودند. افزون بر این، گزیده‌ای از آثار امری در مورد موقعیت و مقام شهید در دیانت بهائی قرائت شد. یکی دیگر از سخنرانان این گردهمایی‌ها متذکر شد که مؤمنان امر الهی در حال حاضر از فرصتی بی‌نظیر برای شرکت در تحقق پروژه‌های قوس کرمل برخوردارند.

کامبوج: برگزاری نخستین کنفرانس ملی تبلیغی نخستین کنفرانس تبلیغی سراسری کامبوج با شرکت بیش از پنجاه تن از احبای این کشور از سیزده شهر مختلف در پنوم پن پایتخت کامبوج برگزار شد. خانم لی لی لودهر Lee Lee Ludher یکی از اعضای هیئت مشاورین، یکی از اعضای هیئت معاونت در تایلند و تنی چند از مبلغان سیار از دیگر

شرکت‌کنندگان در نخستین کنفرانس تبلیغی سراسری کامبوج بودند.

بر اساس گزارش رسیده به ارض اقدس برگزاری این گردهمایی بیش از آنکه حادثه‌ای تبلیغی یا اداری باشد رویدادی روحانی بوده و در جریان آن علاوه بر بحث و گفتگو پیرامون مسائل تبلیغی، بخشی از وقت کنفرانس به دعا و مناجات و تأمل در جنبه‌های روحانی حیات بهائی اختصاص داده شده است. اصول روحانی توسعه اجتماعی-اقتصادی، تبلیغ، وحدت و اهمیت خودداری از غیبت کردن و سعایت از جمله مسائل مورد بحث در این کنفرانس بوده است. افزون بر این، چگونگی در میان گذاشتن پیام جان‌بخش حضرت بهاء‌الله جلّ اسمه الاعلی و تنظیم برنامه‌های تبلیغی انفرادی در کارگاه‌های تشکیل شده در این کنفرانس مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

### هند: مشرق‌الاذکار هند طی سه ماه قریب يك

میلیون تن را به سوی خود جلب می‌کند

بر اساس گزارش رسیده از مشرق‌الاذکار هند در دهلی‌نو این مبلغ صامت امرالله در ماه‌های سپتامبر، اکتبر و نوامبر گذشته مورد بازدید نُهصد و شصت هزار تن قرار گرفته و نقشی اساسی در تبلیغ دیانت بهائی و شناساندن شخصیت حضرت بهاء‌الله جلّ اسمه الاعلی به جهانیان ایفاء کرده است. چهل و چهار تن از خواهران روحانی کاتولیک اورسولین Ursuline، چهل و پنج تن از نمایندگان شورای جهانی کلیساها و یکصد و پنجاه تن از اعضای هیئت‌های نمایندگی نوزده کشور مختلف از جمله بازدیدکنندگان مشرق‌الاذکار در این مدت بوده‌اند. سفیر ویتنام در

آغاز مراسم، پروفیسور تومی که Tommy Koh سفیر سیار سنگاپور در یک کنفرانس مطبوعاتی متذکر شد که سال ۱۹۹۵ پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد است و این سالگرد فرصت مناسبی خواهد بود که پیروان ادیان و فرهنگهای مختلف را با هم آشتی داد و گرد هم آورد.

#### زیمبابوه: برگزاری جشنواره، بین المللی تئاتر و موسیقی در مدرسه، تابستانه

بر اساس گزارس محفل روحانی ملی بهائیان زیمبابوه [رودزیای سابق] در جریان مدرسه، تابستانه، احبای این کشور از بیست و ششم تا سی و یکم دسامبر گذشته، یک جشنواره، بین المللی تئاتر و موسیقی نیز در دانشکده، پلی تکنیک شهر هراره Harare برپا گشته است. بیش از ششصد و هشتاد تن از احبای سی کشور و نیز هفت تن از اعضای هیئت مشاورین قاره‌ای در این رویداد بزرگ شرکت داشته‌اند و در مدرسه، تابستانه موضوع اصلی «کلید پیروزی» بود و در جشنواره، تئاتر و موسیقی، تلاش هنرمندان بهائی بر شعار «امروز، حضرت بهاء‌الله» متمرکز بوده است. در خلال برگزاری این مدرسه هر روز صبح سه کلاس چهل و پنج دقیقه‌ای برگزار می‌شد و بعدازظهرها به رقابتهای هنرمندان در زمینه، تئاتر و موسیقی اختصاص داشت. کتاب اقدس، زندگی حضرت عبداله‌ا، حیات حضرت ولی امرالله و قوانین حقوق الله از جمله مسائل مورد بحث در کلاسهای بامدادی بود و در جریان رقابت هنرمندان در بعدازظهرها به هر یک از گروهما ده دقیقه وقت هنرنمایی داده می‌شد. هنرمندان بهائی بوتسوانا، مالاوی، موزامبیک، نامی بیا، سوازیلند، افریقای جنوبی، زامبیا و زیمبابوه در این رقابت روحانی و هنری شرکت داشتند. افتتاح جشنواره، بین المللی تئاتر و موسیقی در بعدازظهر بیست و نهم دسامبر بوسیله، یکی از مقامات وزارت اطلاعات-یست و ارتباطات زیمبابوه و با حضور تنی چند از بلندپایگان دولتی، اعضای انجمن شهر و خبرنگاران

هند، رئیس دادگاه عالی دهلی‌نو و شخصیت‌های برجسته، دیگر هند ضمن دیدار از معبد نیلوفر در دهلی‌نو زیبایی و روحانیت این بنا را ستودند و روزنامه، «هندوستان تایمز» نیز در مقاله‌ای از این بنا تعجید نمود.

#### جزایر قناری: برگزاری میزگردی پیرامون حقوق بشر

محفل روحانی محلی بهائیان سانتاکروز در گزارشی که به ارض اقدس عز وصول یافت اعلام کرد به ابتکار احبای تنی این شهر، در ماه نوامبر گذشته میزگردی پیرامون حقوق بشر با شرکت بیش از یکصد تن که اکثراً غیربهائی بودند برگزار گردیده است. در این میزگرد گروهی از اعضای پارلمان، قضات دادگستری، اساتید دانشگاه لاگونا و رئیس صلیب سرخ جزایر قناری همراه با یکی از اعضای محفل روحانی ملی بهائیان اسپانیا به بحث و تبادل نظر در مورد حقوق بشر در آستانه، قرن بیست و یکم پرداختند و شرکت‌کنندگان غیربهائی در این گردهمایی در پی آشنائی با تعالیم و اصول دیانت بهائی، علاقهای عمیق نسبت به این تعالیم از خود نشان دادند.

#### سنگاپور: برگزاری روز جهانی ادیان

به مناسبت روز جهانی ادیان در روز پانزدهم ژانویه، سال جاری، گردهمایی عظیمی با شرکت بیش از یکهزار تن در یکی از سالن‌های کنفرانس سنگاپور برگزار شد. در این گردهمایی که به همت جامعه، بهائیان سنگاپور برگزار شد موضوع اصلی مورد بحث «مذهب باید عامل وحدت باشد» بود و سخنرانانی از پیروان نه مذهب مختلف هر یک به مدت پانزده دقیقه چگونگی نقش مذهب در پیشبرد صلح و وحدت را مورد بحث قرار دادند.

بیش از سی تن از سفرای مقیم سنگاپور و گروهی دیگر از اعضای هیئتهای دیپلماتیک از جمله شرکت‌کنندگان در این گردهمایی بودند. پیش از

تبیغی

برگزاری

یاری

علاوه بر

ز وقت

جنبه‌های

ت. اصول

وحدت و

ز جمله

ده ست.

متن پیام

و تنظیم

کین شده

ر گرفت.

ب یک

کند

ذکر هند

مدهای

نهصد و

در تبلیغ

ت بهاء‌الله

ت. چهل و

سویین Ur-

ت جهانی

هیئتهای

یکنندگان

ویتنام در

**پیام بهائی**

نشریه ماهانه محفل روحانی ملی  
فرانسه برای بهائیان

سال هفدهم، شماره پنجم  
شماره مسلسل ۱۸۶  
شهرالجمال - شهر العظمة ۱۵۲  
اردیبهشت - خرداد ۱۳۷۴

نشانی هیئت تحریریه برای ارسال مقالات و  
نامهها و پیشنهادات

P.O. Box 106  
1211 Geneve 25, Switzerland

نشانی برای ارسال حق اشتراك، نامه‌های  
مربوط به امور اشتراك و تغییر نشانی

**Payam-i-Baha'i**

B.P. 9

06240 Beausoleil

FRANCE

Fax: 33-93-784418

حق اشتراك سالیانه برای همه کشورها  
۲۲۰ فرانك فرانسه است. تقاضا دارد با  
حواله پستی یا با چك بانكی به فرانك  
فرانسه به نشانی بالا و یا توسط بانك به  
شماره حساب زیر حواله گردد:

**Payam-i-Baha'i**

No 30003/01500-00037261910-30

Bank Societe Generale

8 Av. J.Medecin

06000 Nice, France

کلیه اشتراكها در اول هر سال میلادی  
تجدید می‌گردد.

**Payam-i-Baha'i**

Publie par l'Assemblee spirituelle

Nationale des Baha'is de France.

45 Rue Pergolèse,

75116 Paris, FRANCE

در یکی از روزنامه‌های استانبول و یکی از فرستنده‌های  
رادیوئی این شهر جلسه، مذکور به تفصیل مورد بحث  
قرار گرفت.

« زنان در نظم نوین جهانی » موضوع گردهمایی  
دیگری بود که در دهم دسامبر در شهر بورسا Bursa با  
شرکت یکصد و پنجاه نفر برگزار شد. در این جلسه  
سخنرانی‌هایی تحت عناوین « برای زن و مرد، برای يك  
دنیاى سالم»، « تصویر يك خانواده، ایده‌آل و سالم»،  
« انگوی تازه‌ای برای زندگی خانوادگی » و « جایگاه زنان  
در خانواده » ایراد شد و برنامه با نمایش يك فیلم ویدئویی  
در مورد کنگره جهانی نیویورک پایان یافت. معاون  
نخست وزیر ترکیه و ثنی چند از وزیران این کشور با  
ارسال تلگرام‌هایی از برگزاری این جلسه ابراز خرسندی  
کرده بودند.

**انگلیس: گنجاندن دیانت بهائی**

در برنامه درسی یکی از مناطق لندن

محفل روحانی ملی بهائیان انگلیس گزارش داد در  
بیست و نهم نوامبر گذشته شورای مشورتی دائمی منطقه  
واندرورث Wonderworth شهر لندن در برنامه تنظیمی  
برای مدارس این منطقه، بخشی را نیز به دیانت بهائی  
اختصاص داد که در چهارچوب آموزش ادیان مختلف  
تدریس گردد. در کتاب درسی این برنامه که در کلیه  
مدارس این منطقه به مورد اجراء در خواهد آمد پانزده  
صفحه به دیانت بهائی اختصاص دارد که در آن علاوه بر  
توضیح و تفسیر هفتاد اصطلاح امری و مقدمه‌ای بر  
دیانت بهائی، چگونگی تدریس این دیانت در مراحل  
مختلف مدارس ابتدائی و متوسطه تشریح شده است. این  
کتاب جدید درسی در کتاب‌فروشی‌های این منطقه به  
معرض فروش گذارده شده و امید می‌رود به تدریج در  
دیگر مناطق انگلیس نیز اقدامات مشابهی صورت گیرد.  
محفل روحانی ملی بهائیان انگلیس در پایان گزارش  
مذکور خاطر نشان ساخته است که گنجاندن دیانت بهائی  
در این کتاب درسی پیشرفتی چشمگیر و مرحله‌ای مهم از  
پذیرش دیانت مقدس حضرت بهاء‌الله در جامعه انگلیس  
است.



1914